

تحلیل روش شناختی و محتوایی تاریخ‌نگاری طبرسی با تکیه بر اعلام الوری بأعلام الهدی

سیدحامد نیازی^۱

چکیده

روش‌شناسی تاریخ‌نگاری از مسائل فلسفه تحلیلی تاریخ یا فلسفه انتقادی تاریخ است که به بررسی روش شناختی در حوزه مطالعات تاریخی می‌پردازد. طبرسی که از علمای صاحب نام قرن ۵ و ۶ هجری است با تالیفات بسیار در رشته‌های مختلف علمی، نقش ارزنده‌ای در اعتلای فرهنگ^۲ و تمدن اسلامی^۳ داشته است. از این میان، کتاب اعلام الوری بأعلام الهدی است که در دو ساحت ساخت و معرفت، الگویی مناسب برای جریان تقریب در مجامع اسلامی است. لذا مسأله مورد نظر در تحقیق پیش رو، چستی تحلیل روش شناختی و محتوایی تاریخ‌نگاری طبرسی با تکیه بر کتاب مذکور است. تحقیقاتی بسیط در حوزه روش شناختی تاریخ‌نگاری طبرسی وجود دارد که به صورت گزارشی به آن پرداخته شده، لیک تحقیقی جامع در این زمینه صورت نگرفته است. طبرسی که با نگاه ژرف خود، حفظ اساس و کیان اسلام را مد نظر داشت، با ابداع و کاربست نظریه تقریب (که مبتنی بر زمینه‌های روش شناختی بوده و در تحلیل محتوایی فعالیت‌های علمی او ظهور داشت) اقدام به فعالیت‌های علمی-پژوهشی نمود، به طوری که در تالیف‌های خود روشی "وحدت محور" را معرفی و در ساحت تعلیم و تعلم "نظریه تقریب" را تقویت کرد.

^۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم seiyed_ha@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۸

2. culture.

3. civilization.

لذا هدف از نگارش متن پیش رو ارائه و تبیین روش شناختی و تحلیل محتوایی تاریخ‌نگاری او با تکیه بر کتاب اعلام الوری باعلام الهدی و به تعبیر دیگر، تبیین ساحت‌های روش شناختی و معرفت شناختی تاریخ‌نگاری طبرسی از منظر کتاب مذکور است.

هدف نهایی از توصیف شناسی تاریخ‌نگاری طبرسی در ساحت‌های روش شناسانه و معرفت شناسانه، اثبات رویکرد تقریب در حیات علمی-فرهنگی وی است تا از این طریق، "نظریه تقریب" را معرفی و الگویی مناسب به جامعه علمی مسلمانان در جهت بازتولید این رویکرد ارائه گردد.

روش تحقیق به صورت تاریخی و تاریخی-اجتماعی است و در نهایت روشی مهم و کاربردی در حیطه ساخت و معرفت در ساحت‌های مختلف علمی در جهت تقریب مذاهب اسلامی اثبات گردیده است. چکیده تعاریف، توصیفات و تبیین‌های مطرح شده در متن، عبارت است از معرفی اصول روش شناختی تاریخ‌نگاری وی و ثابتهای "نظریه تقریب" در حیات علمی-فرهنگی طبرسی و ارائه آن به جهان اسلام به عنوان الگویی علمی-مذهبی در راستای تقویت بنیه‌های تقریبی در ساحت‌های مختلف.

واژگان کلیدی

تاریخ، تاریخ‌نگاری، طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، نظریه تقریب.

مقدمه

امین‌الاسلام طبرسی (۴۷۰-۵۴۸ ه.ق) از علمای ذوفنون قرن عرق است که با توجه به شرایط سیاسی-اجتماعی دوره حیات خویش در علوم انسانی اسلامی،^۱ علوم انسانی غیر اسلامی^۲ و علوم غیر اسلامی^۳ به فعالیت‌های علمی پرداخت. به طوری که تالیف‌های او در بسیاری از علوم، مرجع مراکز علمی-پژوهشی گردید. (کریمان، ۱۳۴۰، ج ۱: ۲۲۹-۲۶۰)

او "رویکرد تقریب" را بهترین روش برای حفظ، تبلیغ و گسترش مذهب تشیع و حفظ کیان اسلام می‌دانست. (گویا طبرسی، اولین فرد در باز تولید این روش در ساحت‌های نگارش، تعلیم و

^۱. نظیر: فقه، اصول، کلام اسلامی و تفسیر.

^۲. نظیر شعر، لغت، اشتقاق، معانی و بیان، نحو و تاریخ.

^۳. نظیر حساب و جبر و مقابله.

تعلیم است) لذا در کنار شاگرد پروری میان مذاهب مختلف اسلامی بدون هیچ گونه تعصبی، به نگارش آثار مختلف در زمینه های فقهی، حدیثی، تفسیری و تاریخی با رویکردی تقریبی پرداخت و روشی نو در بحث تقریب در ساحت علم را بنیان نهاد.

از این رو همزمان در دو حیطه علم و تقریب فعالیت‌های منحصر به فردی انجام داد که ثمره آن، ایجاد اتحاد و در حقیقت نمایان ساختن وحدت میان ساحت‌های علم و تقریب بود. او این گنج بی پایان را برای جوامع اسلامی بعد از خود به ارث گذارد. از این رو بجاست رهیافت مذکور به عنوان "الگوی اسلامی- علمی" به مراکز علمی جهان خاصه جهان اسلام به عنوان معیاری بنیادین در حوزه‌های ساخت و معرفت معرفی گردد و فضای تقریب از مبدأ خود یعنی مراکز علمی به جوامع اسلامی نشر داده شود.

در همین راستا، وی تلاش داشت تا خلأ موجود در جامعه نسبت به شناخت معصومین علیهم‌السلام (تاریخ اسلام خاصه تشیع) را با نگارش کتاب إعلام الوری بأعلام الهدی جبران کند. این کتاب در حوزه تاریخ، روشنگر بسیاری از حوادث و پدیده های قرون ابتدایی جامعه اسلامی است چرا که پدیده های تاریخی مذکور در کتابهای دیگر یافت نمی‌شود که در قسمت تاریخ‌نگاری اعلام الوری به آن پرداخته شده است. از این روست که ۱۵ سال پس از فوت وی، ابن قندق که اقدام به نگارش کتاب تاریخ بیهقی نمود، نخستین بار سخن از طبرسی به میان آورد. (طبرسی، ۱۳۸۸: ۲۶) تاکید وی در نگارش إعلام الوری، علاوه بر آشنایی مردم با حیات فکری-سیاسی معصومین علیهم‌السلام، معرفی فضای اجتماعی-دینی دوران حیات ایشان نیز بود (تاریخ اجتماعی-دینی). لذا با بیانی موجز به سیره پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرداخته و تاریخچه زندگی امامان علیهم‌السلام را به همراه بحث امامت آورده است. برخی معتقدند این کتاب در حوزه معرفت تاریخی، یکی از چهار کتاب مرجع^۱ نزد مورخین و محققین خاصه مسلمانان است. (جعفریان، ۱۳۸۷: ب ۱۹۵)

همانطور که بیان شد روش شناسی تاریخ‌نگاری از مسائل فلسفه علم تاریخ^۲ (فلسفه تحلیلی

^۱. سه کتاب دیگر: الارشاد شیخ مفید، کشف الغمه اربلی، روضه الواعظین فتال نیشابوری. برخی قائلند کتاب پایه در زمینه تاریخ ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام، الارشاد شیخ مفید است. این کتاب با رویکردی تاریخی - کلامی به مباحث اجتماعی و حیات معصومین علیهم‌السلام در قرن سوم و چهارم هجری پرداخته است. این چهار کتاب از قرن پنجم هجری تا هفتم هجری درباره‌ی زندگی چهارده معصوم علیهم‌السلام نگاشته شده و حکم منابع اصلی را در این زمینه دارند. ارزش این کتاب‌ها از آن روست که کوشیده‌اند تا از مصادر و منابع پیشین، شرح حالی برای معصومان علیهم‌السلام تدارک دیده و در اختیار مسلمانان به ویژه شیعیان قرار دهند.

^۲. Philosophy of History.

تاریخ یا فلسفه انتقادی تاریخ) و علم درجه دوست که به بررسی روش شناختی در حوزه مطالعات تاریخی می‌پردازد. لذا به دلیل اهمیت اهداف بیان شده، نگارنده بر آن است تا به تبیین و توصیف "نظریه تقریب" در حیات علمی - فرهنگی شیخ طبرسی با تاکید بر تحلیل روش شناختی و محتوایی کتاب اعلام الوری به عنوان رهیافتی حیاتی برای جهان اسلام بپردازد و الگوی اسلامی - علمی مذکور را در مجامع علمی مسلمانان تاکید نماید.

آشنایی با نوع نگرش او به علوم اسلامی و غیر اسلامی، روش شناسی ارتباط های علمی و غیر علمی او با دیگر مذاهب اسلامی، روش شناسی دیدگاه او به منابع اهل سنت، شیوه استفاده وی از آنها و سیر تکوین حیات علمی و فقهی او می تواند شاخصه های علمی - مذهبی مطلوبی برای جامعه امروزی جهان اسلام، خاصه تشیع ارائه نماید. از این رو چستی تحلیل روش شناختی و محتوایی تاریخ نگاری او در کتاب اعلام الوری با اعلام الهدی در کنار شناخت حیات علمی - فرهنگی امین الاسلام طبرسی مد نظر قرار گرفته است.

مفهوم شناسی تحقیق

علوم اسلامی: طبقه بندی علوم از مسائل تمدن اسلامی است که در کتابهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. تعریف مورد تایید تحقیقی مذکور از علوم اسلامی عبارت است از: علومى که در سایه تمدن اسلامی شکل گرفت و موضوع و مسائل آن، اصول یا فروع ارکان فرهنگ اسلامی یا مواردی که اصول و فروع ارکان فرهنگ اسلامی، به استناد آنها اثبات می‌شود، همچنین علومى که مقدمه دو نوع علوم مذکور شمرده می‌شود.^۲ این علوم در یک دید کلان عبارتند از: علوم قرآن، علم قرائت، علم تفسیر، علم نحو، علم لغت، علم حدیث، علم کلام، علم فقه، علم اصول فقه، علم اخلاق، علم رجال، علم درایه. (کاشفی، ۱۳۸۹: ۸۲ و ۸۳)

علوم غیر اسلامی: علومى که از ارکان تمدن بشری و یکی از اندوخته‌های آن به شمار می‌آید و ارتباطی به ظهور و گسترش تمدن اسلامی ندارد. (کاشفی، ۱۳۸۹: ۱۳۳)

تاریخ:^۳ تعاریف مختلف با رویکردهای متنوعی برای تاریخ بیان شده است. منظور تحقیق

^۱. Islamic Sciences.

^۲. در واقع این علوم علاوه بر پاسداری از دو منبع اصلی فرهنگ اسلامی، ابزاری برای تبیین، تنظیم، تشریح، تدبیل، توجیه و دفاع از اجزای تشکیل دهنده اصلی فرهنگ، یعنی نظام باورها و شناختها، نظام ارزشها و گرایشها و نظام رفتارها و کردارهاست. (کاشفی، ۱۳۸۹: ۸۲ و ۸۳)

^۳. history

پیش رو از تاریخ عبارت است از نفس گزارهای محقق شده مرتبط با انسان. علم تاریخ: علم به گزاره های محقق شده مرتبط با انسان را علم تاریخ گویند. روش: عبارت است از تعیین گام هایی که لازم است با نظمی خاص به منظور دستیابی به هدفی مشخص، برداشته شود. به تعبیری دیگر راه دستیابی به واقعیت و شناخت حقیقت کنش‌های انسانی. (شریفی، ۱۳۹۵: ۳۲ و ۳۴)

روش شناسی^۲: دانشی درجه دو که به بررسی تحلیل روش می پردازد. به تعبیری دیگر بررسی میزان قابلیت و توانمندی روش های گوناگون در دستیابی به واقعیت و حقیقت پدیده‌های مورد مطالعه و همچنین میزان موفقیت آنها در دستیابی به اهداف مورد نظر است. (شریفی، ۱۳۹۵: ۳۳)

توصیف^۳: صرف گزارش واقعیت های مرتبط با استفاده از مفاهیم تخصصی و مربوط به هر علم. (شریفی، ۱۳۹۵: ۴۵)

تبیین^۴: (علت کاوی) کشف چرایی وقوع یک کنش. (شریفی، ۱۳۹۵: ۴۵)

تفسیر^۵: کشف معنای نهفته در کنش های انسانی. در این مرحله به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و حالات روحی کنش گر نیز مورد مطالعه قرار می گیرد. (شریفی، ۱۳۹۵: ۴۵)

تقریب: نزدیک کردن، نزدیک گردانیدن. (دهخدا، ۱۳۴۳، ج ۱۵: ۸۳۸)

تقریب مذاهب^۶: پایه گذاری حرکت در جهت نزدیک کردن پیروان مذاهب اسلامی توسط علمای اسلامی با هدف نزدیک ساختن شیعیان و اهل سنت به یکدیگر و رفع اختلافات و خنثی نمودن دشمنی میان آنها.^۷ (مولفین، ۱۳۷۵، ج ۷: ۷۷۳ و ۷۷۴)

فرهنگ سیاسی^۸: تعاریف گوناگونی در کتابهای علوم اجتماعی برای فرهنگ سیاسی بیان

1. Method.

2. Methodology.

3. Description.

4. Explanation.

5. Interpretation.

6. Approximation.

^۷. این رویکرد از صدر اسلام تا کنون با اهداف سیاسی و فرهنگی استمرار داشته. لذا از بزرگان سیاسی و مذهبی به این مساله توجه داشتند. از منصور تا مامون تا نادرشاه. در تاریخ معاصر ایران، علمای اسلام توجه ویژه‌ای به این مساله داشتند نظیر آیت‌الله بروجردی، امام خمینی ره و مقام معظم رهبری حفظه‌الله. (مولفین، ۱۳۷۵، ج ۷: ۷۷۳ و ۷۷۴)

8. political culture.

شده است. لیک تعریف مورد استفاده در این تحقیق عبارت است از: محصول تعامل دو سویه ساختار سیاسی و فرهنگ اجتماعی که بر ساخت سیاسی و ساختارهای فرهنگی جامعه به صورت دو طرفه اثر گذار است. به تعبیری دیگر فرهنگ سیاسی از تعامل ساختار سیاسی و فرهنگ اجتماعی حاصل می شود و به نظر می رسد رابطه این دو همان رابطه مرغ و تخم مرغ است. به بیان مصداقی فرهنگ سیاسی عبارت است از: در حوزه ملتها: مجرا و محل بروز احساسات، ارزش ها، باورها، معتقدات، تجارب، نمادها و اسطوره ها در سه حوزه نظام، فرایند و اجرا و در حوزه حکومتها: محل و مجرای بروز باورها، ارزشها و معتقدات حاکمان یک سرزمین در حوزه نظام، فرایند و اجرا در سطح حاکمیتی. لذا فرهنگ سیاسی رابطه ای دو سویه را می طلبد و نه یک سویه یعنی در حوزه ملتها و حکومتها، فرهنگ سیاسی از تعامل میان ملتها و حکومتها در سه ساحت نظام، فرایند(تدوین) و اجرا با نرم افزار باورها، ارزشها و معتقدات به همراه پشتوانه تاریخی شکل می گیرد. تقسیم فرهنگ به سیاسی و غیر سیاسی امری موهوم و ناپسند است. از سویی دیگر دانشمندان علوم سیاسی فرهنگ سیاسی را به اجزاء و جهت گیری های متفاوتی تقسیم کرده اند که یکی از آنها عبارت است از: فرهنگ سیاسی برآیند نگرشها و جهت گیری های همه اعضای جامعه است. این نگرش های فردی در سه مقوله تحلیل می شوند: نگرش های شناختی^۱، نگرش های احساسی^۲ و نگرش های ارزشی^۳ نگرشهای شناختی به کمیت و کیفیت دانسته های فرد از نظام سیاسی و حول و حوش آن نظیر نهادهای سیاسی اداره کننده کشور، طرز کار این نهادها و اداره کنندگان این نهادها اشاره دارد. نگرش های احساسی (عاطفی) به درجه ی درک روانشناختی افراد نسبت به نظام سیاسی و همچنین به تعهد فرد نسبت به نظام سیاسی ارتباط می یابد. نگرش های ارزشی به نظام ارزشی شخص باز می گردد و اینکه نظام با مجموعه معیارها و سلسله مراتب ارزش های شخص چه نسبتی دارد. (شریف، ۱۳۸۱: ۱۱ و ۱۲)

1. Knowledge attitudes.

2. Emotional attitudes.

3. Value attitudes.

۱. حیات علمی-تاریخی طبرسی^۱

نام او فضل و نام پدرش حسن است. کنیه ایشان ابو علی و لقبش امین الدین و امین الاسلام بیان شده، لیک در کتاب‌های تاریخی و دینی به طبرسی مشهور شده است.^۲ نیز طوسی، سبزواری، رضوی، مشهدی(طبرسی، ۱۴۱۵و، ص ۹) ذکر شده است. سال تولد امین الدین، فقط در روضات الجنات خوانساری و ریاض العلماء افندی ذکر شده که روضات نیز از ریاض نقل کرده است. (کریمان، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۰۵) اقوال در مورد زمان تولد ایشان متعدد است از جمله، میانه ی ۴۶۰ تا ۴۷۰ ه ق که دو کتاب ریاض العلماء و روضات الجنات ذکر کرده اند.^۳ عده ای گمان می‌کنند محل تولد وی تفرش است در حالی که به نظر می‌رسد محل تولد وی مشهد (طوس) است(حلبی، ۱۳۶۱: ۱۹- ۲۲) و بیش از ۵۰ سال از عمر خود را در انجا سپری کرد. (نواب، ۱۳۸۱: ۱۸۷)^۴

نگرشها در مورد سکونتگاه وی مختلف است. برخی با توجه به گزارشهای تاریخی، خراسان را سکونتگاه وی می‌دانند. (جعفریان، ۱۳۸۷: ب: ۱۹۴) عده ای می‌گویند ابتدا در مشهد و سپس به درخواست سادات آل زبارة در سال ۵۲۳ق به سبزوار نقل مکان می‌کنند. (حلبی، ۱۳۶۱: ۱۹-۲۲) تاریخ بیهقی می‌گوید: ابتدا در مشهد و سپس در سبزوار ساکن شد و کتابهای تفسیر مجمع البیان، جوامع الجامع، الکافی الشافی، الجواهر در نحو را در سبزوار نوشت. گفته شده مدرسه دروازه عراق در سبزوار به یاد او بود. (حلبی، ۱۳۶۱: ۱۹-۲۲)^۵

^۱ شرح حال وی در کتاب‌های معالم العلماء، رجال سیدمصطفی، اللؤلؤه، ریاض العلماء، امل الامل، روضات الجناب، المقابیس شیخ اسدالله کاظمی، مستدرک الحصون المنیعه و... آمده و همگی بلا استثناء وی را ستوده‌اند.

^۲ طبرسی منسوب به طبرس که امروز به نام تفرش از توابع اراک امروزی است، یا طبرسی منسوب به طبرستان که همان مازندران امروزی است

^۳ یکی از اقوال سال ولادت او را ۴۶۹ یا ۴۶۸ ه ق می‌داند (نواب، ۱۳۸۱: ۱۸). قول دیگر میانه‌ی سالهای ۴۶۸ تا ۴۷۰ ه ق است که همزمان با پادشاهی ملک شاه سلجوقی و وزارت خواجه نظام الملک است. (حلبی، ۱۳۶۱: ۱۹- ۲۲) در جایی دیگر بیان شده: غالباً از گفته‌های ایشان در مجمع البیان برداشت می‌شود که سال تولد ایشان در ۴۶۷ ق است. قول اخرین نیز اشاره به ۴۷۰ ق (نواب، ۱۳۸۱: ۱۱) دارد.

^۴ به احتمال قوی طبرسی در تفرش که اصل و منشا اوست هیچگاه اقامت نداشته و ولادت وی نیز در انجا روی نداده است.

^۵ برخی در اصل او را اهل تفرش دانسته که به خراسان مهاجرت و سپس به سبزوار رفته است و پس از فوت به مشهد منتقل و در محل کنونی دفن شد. ضلع غربی حرم مطهر امام رضا علیه السلام به نام خیابان طبرسی معروف

ویژگی‌های اخلاقی بارزی داشت به همین دلیل القاب بسیاری به او منسوب است مانند: فخر العلماء الاعلام، ثقه جلیل، شیخ شهید سعید، فقیه الفرید، فاضل العالم، مفسر الفقیه، محدث الجلیل، ثقه الکامل النبیل. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۹) در ادبیات عرب بیان شده در حوزه شناخت شناسی افراد سه چیز برای آنها وضع می شود که عبارت است از اسم و کنیه و لقب، همچنین کنیه در ترتیب نامگذاری سوم است، یعنی ابتدا اسم برای فرد وضع سپس لقب و در نهایت کنیه برای وی وضع می شود. در تعریف کنیه آمده که علمی است که اغلب بر ذات معین و مشخصی دلالت می کند که از آن یا مدح احساس می شود، یا ذم و یا نسبت. (بدیع یعقوب، ۱۴۲۰: ۵۱۶ و ۵۱۷) لذا به نظر می رسد کنیه های بیان شده در متن بالا، دال بر مدح طبرسی است.

برخی ویژگی‌های بارز اخلاقی او عبارتند از: انصاف، ادب، حق شناسی، پاکی نفس و طهارت نفس، عدم تعصب مذهبی.^۱ مهمترین مولفه اخلاقی او که باعث شد مورد احترام دوست و دشمن قرار گیرد، عفت قلم و انصاف او بود. عفتی که در قلم او یافت می شود نشان از عدم تعصب مذهبی او دارد به طوری که به همه فرق به یک دیده می نگریست و هر آن چه که صحیح و معقول بود از مخالف و موافق بازگو می کرد و در تقدیم و تاخیر اسامی یک جانبه برخورد نمی نمود. تاریخ اجتماعی - مذهبی زمان او طوری بود که عالمان فرق مذهبی به اقوال معتقدان طریقه خویش بسنده می کردند و روایت های مخالفان خود را در هر صورتی مطرود می شمردند. در این برهه بود که طبرسی متهم شد که بیشتر مجمع البیان را از عامه بیان و از تفسیر اهل بیت علیهم السلام اندکی نقل کرده است. بیان او در مورد کشف^۲ نیز موید رویکرد تقریبی او است. (کریمان، ۱۳۴۱، ج ۱: ۲۵۷-۲۶۰)

او در سال ۵۴۸ ق از دنیا رفت. در مورد نحوه فوت او با توجه به گزارشهای تاریخی گاه

است. در مورد محل سکونت وی پسوندهای مختلفی از جمله: رضوی، مشهدی و طبرسی مطرح شده است. (حلبی، ۱۳۶۱: ۱۹-۲۲)

^۱ در مقدمه کتاب تفسیر جوامع الجامع طبرسی به صراحت اعتراف به فضل و علم و شایستگی عالم معاصر خود یعنی علامه زمخشری و تفسیر کشف او می کند، همچنین: شیخ محمود شلتوت، شیخ اسبق جامع الازهر در مقدمه ای خود بر کتاب مجمع البیان چاپ دار التقرب، درباره ی صفای باطنی و روحیه ی پاک طبرسی و خصوصیات مجمع البیان و جوامع الجامع مبسوط به مدح سرایی از این عالم شیعه پرداخته است.

^۲ طبرسی در مورد کشف در ابتدای تفسیر جوامع الجامع خود می گوید: پس از تالیف مجمع البیان چون به کتاب کشف برخورد کردم و کشف را دارای بدایع و روایعی یافتیم که در کتابی دیگر یافت نمی شد از آن بدایع و روایع خلاصه ای در کتابی مجتمع الاطراف نهادم و بر آن شدم که آن را کافی شافی نام نهادم. (طبرسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۸)

متعارض، دو قول مطرح می‌شود. قول به شهادت ایشان که در ریاض العلماء^۱ و فوائد مستدرک الوسائل مطرح^۲ و نوع شهادت او در کتابهای رجالی و تاریخی بیان شده است.^۳ قول دیگر اینکه به مرگ طبیعی از دنیا رفته است.^۴ پس از فوت طبرسی در سبزوار، با پایمردی آل زبارة، جنازه‌ی او به مشهد منتقل و در محل غسل امام رضا علیه السلام دفن گردید، این مکان اکنون محل زیارت خاص و عام است. (بیهقی، بی تا: ۲۴۳)

۱- ۱: شخصیت علمی

در علوم انسانی اسلامی نظیر فقه، اصول، کلام اسلامی و تفسیر، علوم انسانی غیر اسلامی نظیر شعر، لغت، اشتقاق، معانی و بیان، نحو و تاریخ و همچنین در علوم غیر انسانی نظیر حساب و جبر و مقابله مهارت داشت. (کریمان، ۱۳۴۰، ج ۱: ۲۲۹-۲۶۰) کار عمده این دانشمند تلخیص و تحریر کتابهای دیگران بوده است. کتاب مجمع البیان او تحریری است نو از تفسیر تبیان شیخ

^۱. افندی پس از ذکر چند تالیف از طبرسی می‌نویسد: نسخه‌ای از مجمع البیان به خط شیخ قطب الدین کیدری دیدم که آن را بر نصیر الدین طوسی برخواند و بر ظهر این کتاب هم به خط وی چنین ضبط افتاده بود: تالیف الشیخ الامام الفاضل السعید الشهدی ... (افندی، ۱۴۰۱ق: ۴۸۷)

^۲. شیخ شهید، احتمالاً به زهر مسموم و شهید شده است. (کریمان، ۱۳۴۰، ج ۱: ۲۲۸) به نقل از: فاضل نوری صاحب فوائد مستدرک الوسائل: ۴۸۷)

^۳. طوائف غز که ترکمان بودند و در سرزمین بلخ ساکن، در سلطه سلطان سنجر بوده و در سال ۵۴۷ ه ق امرای نآزموده سلطان سنجر (سلطان سلجوقی)، سلطان را به جنگ وادار نموده که در نخستین حمله، غزان و امرا پیروز شدند و پس از رسیدن به اردوگاه سلطان، بر خلاف انتظار، او را بر سریر سلطنت جای داده خود ملتزم رکاب گشتند و با همین هیئت به دارالملک مرو روی نهادند و پس از آن متوجه شهر طوس شدند که معدن علما و زهاد بود. تمام علما و مشایخ را شهید ساخته و به‌طور کلی مردان را قتل و زنان را اسیر، مساجد را منهدم، خانه‌ها را ویران و نفائس را غارت کردند و از آنجا متوجه سناباد و نوغان گردیده خواستند به تخریب مشهد پردازند ولی سلطان سنجر از امرای غز التماس نمود چون این مشهد را به تازگی به مباشرت شرف الدین ابو طاهر قمی وزیر خویش تعمیر و تزیین کرده‌ام از نهب و انهدام آن چشم‌پوشید، سپس آنها از طور که مرکز علما و زهاد بود گذشتند و آن را غارت کردند. زنان آنجا را اسیر و مردان را به قتل رساندند. مساجد و خانه‌های مردم را ویران ساختند و از تمامی شهرهای طوس جز شهری که در آن مشهد علی بن موسی الرضا علیه السلام بود جایی سالم نمانده آنگاه به جانب نیشابور و سایر بلاد خراسان روی آورده چون سیل بنیان کن در سر راه خود هر شهر و قریه را که دیدند با خاک یکسان کردند. در این فتنه، تمام مشایخ و علمای خراسان شهید گشتند. شیخ طبرسی از جمله‌ی شهدای این فتنه می‌باشد. (نواب، ۱۳۸۱: ۱۶۱-۱۶۶)

^۴. علت تقویت قول به فوت ایشان را علامه نوری در مستدرک مطرح و می‌نویسد: وی شهید گشته ولی در نوشته دانشمندان نیامده که وی چگونه به شهادت رسیده است و شاید مسمومش کرده باشند که شهادتش شهرت نیافته است.

طوسی. (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۱: ۴-۱۲)

مرحوم طبرسی از استادان کم نظیری بهره برد نظیر شیخ ابو علی حسن بن شیخ ابو جعفر محمد بن حسن علی طوسی (فرزند شیخ طوسی)، شیخ جعفر الدوریستی مولف کتاب الرد علی الزیدیه، حسن بن حسین بن بابویه قمی رازی، شیخ ابوالحسن بیهقی (اولین شارح نهج البلاغه)، حاکم موفق بن عبد الله عارف نوغانی که از علمای عامه بوده و طبرسی در فصل سوم اعلام الوری شرح حال حضرت رضا علیه السلام را از وی روایت نموده^۱ و اساتید دیگری که در کتابهای تاریخی به آنها پرداخته شده است. (کریمان، ۱۳۴۱، ج ۱: ۲۹۰-۳۰۰؛ نواب، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۴۹)

کثرت شاگردان درس استاد، به دلیل جایگاه والای اخلاقی، علمی و نیز سعه صدر مذهبی وی زیانزد بود. برخی شاگردان معروف طبرسی عبارتند از: ابن شهر آشوب مولف المناقب، شیخ منتجب الدین مولف الفهرست، قطب الدین راوندی مولف خرایج و الجرائح و مولف بیش از ۳۳ عنوان کتاب مهم، فرزند دانشمندش حسن بن فضل طبرسی مولف کتاب مکارم الاخلاق و... .

کثرت شاگردان در درس ایشان در زمانی بود که دانشمندان هم عصر ایشان زیاد بودند نظیر مرحوم طبرسی مولف احتجاج، فتال نیشابوری مولف روضه الواعظین، راغب اصفهانی مولف مفردات، شهرستانی مولف الملل و النحل، ابوالفتوح رازی مولف تفسیر روح الجنان، جبار الله زمخشری مولف تفسیر کشاف، ابوحامد غزالی مولف احیاء العلوم.

عواملی نظیر عدم تعصب مذهبی، ذوق فنون بودن و دیگر ویژگی های گفته شده، باعث شده تا در طول تاریخ، علما و دانشمندان زبان به مدح ایشان گشوده و صحبت های نغزی بیان دارند مانند: آغا بزرگ تهرانی در الذریعه که می نویسد: مجمع البیان لعلوم القرآن تفسیری است که نظیر ندارد (آغا بزرگ، بی تا، ج ۲۰: ۲۴)، ابن شهر آشوب در کتاب معالم العلماء، (ابن شهر آشوب، بی تا: ۱۳۵) افندی در ریاض العلماء، (افندی، ۱۴۰۱: ۳۴۰-۳۵۸) علامه حاج آغا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعه، (آغا بزرگ تهرانی، بی تا، ج ۲: ۱۴۳) علامه سیدمحسن جیل عاملی در اعیان الشیعه، (امین، بی تا، ج ۷، ص ۳۹۶) علامه امینی در کتاب شهیدان راه فضیلت. (امینی، ۱۳۶۲: ۸۹-۹۱)

برخی دیدگاه های خلاف مشهور علما، به او نسبت داده شده مانند معاصی کبیره که می گوید: تمام گناهان کبیره اند و اگر گناهی صغیره نامیده شود بالنسبه به گناه بزرگتر است نه فی

^۱ طبرسی می نویسد: حاکم موفق بن عبدالله عارف نوغانی برای من روایت کرد و می گفت که ... (طبرسی، ۱۳۹۹: ۳۰۹)

نفسها. (نواب، ۱۳۸۱: ۲۴۲) نیز عدم شرط اتحاد فحل در نشر حرمت بین مرتضعین به این معنی که لازم نیست خواهر رضاعی انسان از شیر همان شوهر نوشیده باشد که انسان خود از شیر او نوشیده است. پس هر گاه زن از شوهری که پسر را از شیر او شیر داده است، طلاق گیرد و شوهر دیگر کند و از شیر این شوی دوم دختری را شیر دهد این دختر بر پسری که از شیر شوهر سابق او خورده است حرام است. (کریمان، ۱۳۴۰، ج ۱: ۲۴۰؛ نواب، ۱۳۸۱: ۲۴۲)

علما و دانشمندان زیادی از وی روایت نقل کردند. برخی از آنان عبارتند از: پسرش رضی الدین، ابن شهر اشوب، شیخ منتخب الدین، قطب راوندی، شاذان بن جبرائیل و شیخ عبد الله الدوریستی.

محدثین معروف بسیاری در طرق حدیثی وی آمده اند نظیر حسن ابن شیخ الطائفة ابو علی ملقب به مفید ثانی، عبد الجبار بن علی مقری ابو الوفاء لؤلؤی، حسین بن ابی الفتح موفق الدین واعظ بکربادی، حسن بن حسین بن حسن بابویه قمی، عبید الله بن محمد ابو الحسن بیهقی، محمد بن حسین حسینی جرجانی، عبد الله بن عبد الکریم بن هوازن قشیری نیشابوری و ...

۲-۱: آثار علمی

کتابی که بیشترین تالیفات را برای ایشان نقل کرده ریاض العلماء است. از ویژگیهای خاصه او تلخیص و گزیده نویسی کتب دانشمندان است. مثلاً تفسیر کشاف جار الله زمخشری توسط او با نام الکافی الشافی تلخیص و گزیده شد.

مجمع البیان^۲ که نام دیگر آن، تفسیر کبیر است (طبرسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۲) مفصل ترین و نخستین^۳ تفسیر طبرسی است. نیز مشهورترین تفسیر قرآن به زبان تازی در ده جلد است. طبرسی در دیباچه مجمع البیان می نویسد: قصد داشتم در سن جوانی تفسیری بنویسم (علاقه وافر به نوشتن تفسیر داشت) ولی در سن ۶۰ سالگی موفق به انجام این کار شدم که شش سال به طول انجامید.^۴ در راستای احیای رویکرد تقریب در جهان اسلام، تفسیر مذکور نمونه است. لذ

^۱ البته شیخ طوسی و ابوالفتح رازی نیز بر این عقیده هستند.

^۲ تالیف در سال ۵۳۰ ه. ق. کتاب طبرسی و مجمع البیان که توسط حسین کریمان نگاشته شده است از بهترین کتب در معرفی حیات علمی - فرهنگی طبرسی و آثار او از جمله مجمع البیان است.

^۳ نخستین تفسیر از حیث زمان نگارش است که تقریباً در سال ۵۳۰ نگاشته شد.

^۴ گفته شده وی سکنه کرد و پس از تغسیل و تکفین، به خاک سپرده شد ولی در قبر به هوش آمد و نذر کرد اگر نجات یابد کتابی در تفسیر قرآن تالیف کند. کفن دزدی قبر را نبش کرد و او نجاب یافت. افندی در ادامه

برخی نظیر صاحب حدائق گفته‌اند: بیشتر روایات تفسیر مجمع البیان از قول مفسران عامه است و از خاصه جز قلیلی از تفسیر عیاشی و علی بن ابراهیم قمی نقل نکرده است، همین انتقاد را مرحوم تنکابنی در قصص العلماء بیان کرده است.^۱ (کریمان، ۱۳۴۱، ج ۲: ۱۵۱)

دومین تفسیر او، الکافیة الشافیة یا تفسیر صغیر است. طبرسی پس از اطلاع از کتاب تفسیر کشاف جار الله زمخشری، نکات و لطائف آن را برگزید و در اواخر نیمه اول قرن عقی، تفسیری نگاشت به نام الکافیة الشافیة. (طبرسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۲) این تفسیر اکنون به دلایل نامعلومی در دسترس نیست و جزو کتابهای مفقوده است.

جوامع الجامع یا به تعبیر خودش تفسیر وسیط (طبرسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۲)، سومین تفسیر طبرسی است که در سال ۵۴۲ق نوشته شده است. (جعفریان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۹۴) او به درخواست پسرش، نکات و لطائف هر دو کتاب تفسیری خویش را در کتاب سوم یعنی جوامع الجامع در سن ۷۲ سالگی گردآوری (طبرسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۲) و در اختصار آن کوشیده است.^۲

از دیگر تالیفات او، الموتلف من المختلف بین ائمه السلف در فقه تطبیقی است که تحریری جدید از کتاب مسائل الخلاف شیخ طوسی است. او نواقص این کتاب را بر شمرده و در کتاب خود مرتفع نموده است.

برخی استدلالهای ضعیف شیخ طوسی و ادعاهای اجماع مکرر او بر مسائل را کنار گذاشته و با علامت (ج) مسائل اجتماعی را مشخص کرده است. نکته جالب اینکه نام این کتاب برخلاف کتاب اصلی که مسائل الخلاف است، الموتلف من المختلف بین ائمه السلف می باشد. او قبل از اینکه به مسائل اختلافی توجه کند به مسائل مورد اتفاق توجه نموده و نام کتاب را با این انگیزه مقدس هماهنگ کرده و آنچه مورد ائتلاف و مایه اتفاق است از میان مسائل اختلافی برگزیده است. طبرسی از علمای پیشین که صاحب آن اقوال مختلف هستند به ائمه سلف یاد کرده است. کار او مانند فعالیت ابوالحسن اشعری است که نام کتاب خود را مقالات الاسلامیین و اختلاف

می‌گوید: این قصه را عینا به مولانا فتح الله کاشی صاحب تفسیر منهج الصادقین متوفی سال ۹۸۸ ه ق نسبت داده‌اند. (خوانساری، ۱۳۹۲، ج ۵: ۳۶۲)

^۱ گویا طبرسی در مجمع البیان از بیش از ۳۹ مفسر و محدث عامه روایت نقل کرده است. البته پاسخهای مفصلی به این بحث داده شده است. (کریمان، ۱۳۴۱، ج ۲: ۱۰۶ - ۱۴۲)

^۲ گفته شده ابتدا در مشهد و سپس در سبزوار ساکن بود و کتابهای تفسیر مجمع البیان، جوامع الجامع، الکافی الشافی، الجواهر در نحو را در سبزوار نوشته است و مدرسه دروازه عراق در سبزوار به یاد او بود. (حلبی، ۱۳۶۱: ۱۹ - ۲۲)

المصلین گذارد. اشعری در این کتاب مذاهب و فرق اسلامی را همان طور که بوده‌اند با نهایت امانت معرفی نموده و با اینکه مذهب حق را همان مذهب اهل حدیث می‌داند که بعداً به نام خود او شهرت یافت در عین حال دیگر مذاهب اسلامی را به عنوان مذاهب اسلامی و اختلاف آنان را به نام اختلاف نمازگزاران نام برده است و همه را مسلمان و اهل قبله و نمازگزار قلمداد کرده است.

لذا در ساحت تألیف متون "نظریه تقریب" را به عنوان اصلی که باید به آن پایبند بود معرفی و خود را در نگارش متون، به آن ملتزم کرده بود. طبرسی این نظریه را به صورت آشکار در مقابل "نظریه تقطیع" که از روش حذف استفاده می‌کرد ارائه و به جامعه اسلامی معرفی نمود. لذا رهیافت وی در تألیف، رویکردی تقریبی است که کتاب‌های الموتلف، اعلام الوری و مجمع البیان نمونه‌های این رویکرد در حیات علمی - فرهنگی وی هستند.

دیگر تألیف‌های طبرسی عبارتند از: الاداب الدینیة للخزانه المعینیة، تاج الموالید (با موضوع تاریخ ولادت ائمه معصومین علیهم‌السلام)، غنیه العابد، اسرار الامامه یا اسرار الائمہ، النور المبین العمده فی اصول الدین، العمده فی الفرائض و النوافل، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، المجموع فی الآداب، عدہ السفر و عمده الحضر، کنوز النجاح، حقائق الامور در اخبار، الشواهد، المشکلات، غنیه العابد و منیه الزاهد، شکاه الانوار فی الاخبار، معارج السوال، الجواهر یا جواهر النحو (در علم نحو و دستور زبان عربی است)، الفائق، در برخی کتاب‌ها غیر از سه تفسیر مذکور، دو تفسیر دیگر به نام‌های الوافی و الوجیز به ایشان نسبت داده شده است. (خوانساری، ۱۳۹۲، ج ۵: ۳۵۷-۳۶۵؛ نواب، ۱۳۸۱: ۱۵۲-۱۶۰؛ امینی، ۱۳۶۲: ۸۹-۹۱)

۲. تاریخ‌نگاری کتاب إعلام الوری بأعلام الهدی^۱

إعلام الوری از کتب معروف سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام است. وسعت پرداختن

^۱ به معنای آگاه ساختن خلایق از احوال علمهای هدایت (امامان هدایت).

^۲ سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از زمان حضور مورد توجه مسلمانان قرار داشت تا جایی که نخستین کسی که در این راه قدم برداشت ابورافع بوده که در زمان حضور راجع به جنگ احد و جایگاه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این واقعه، نیز اسامی صحابه‌ای که در این جنگ به شهادت رسیدند مطالبی جمع کرد. پس از آن در قرن دوم هجری که مقارن نهضت علمی جهان اسلام بود گروهی به سیره نویسی روی آوردند از جمله محمد بن عمر واقدی (معاصر مامون عباسی که در شرق بغداد، به قضاوت مشغول بود. او در میان مورخین شرق و غرب شهرت زیادی دارد. او برای تکمیل اطلاعات خود از تمام مناطقی که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دیدن کردند و یا در آن مناطق به

وی به سیره ایشان به صورت رکنی مجزا از امتیازهای این کتاب در قبال ارشاد مفید است. برخی گزارشهای تاریخی که در إعلام الوری ذکر شده در کتابهای دیگر تاریخی بعد از وی و حتی قبل از وی یافت نمی شود. علت این امر شاید استفاده طبرسی از منابعی بود که برخی از آنها اکنون جزو منابع مفقوده هستند. مضاف بر اینکه گویا فقط طبرسی در دوره خود از آن کتابها قبل از مفقود شدن، در نگارش استفاده کرده، لذا این گزارشها در کتابهای تاریخی دیگر یافت نمی شود. از این رو کتاب مذکور در میان کتابهای تاریخ معصومین علیهم السلام، ممتاز است.

موضوع اصلی کتاب، بیان نظرگاه تاریخی مذهب شیعه درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز معصومین علیهم السلام در حوزه گزاره های تاریخی است. محورهای مورد بحث کتاب، به چهار قسمت به نام رکن ترتیب یافته است. در رکن اول به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت زهراء علیها السلام اختصاص یافته. رکن دوم به زندگی و امامت امیرالمومنین علی علیه السلام پرداخته است و رکن سوم، شرح امامت و زندگی امامان علیهم السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام را بیان کرده و در نهایت در رکن چهارم به امامت ائمه اثنی عشر علیهم السلام اجمعی و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص یافته است.

این کتاب از نخستین روزهای پس از تالیف در میان علمای شیعه مورد توجه قرار گرفت لذا علامه مجلسی آن را کتاب معتبر معرفی می کند.

۲ - ۱: منظومه روش شناختی طبرسی در حوزه تاریخ نگاری (تبیین روش شناختی تاریخ نگاری طبرسی در إعلام الوری)

روش شناسی در تاریخ نگاری از مسائل فلسفه علم تاریخ است که به معرفی و بررسی روشهای مورد استفاده در تاریخ نگاری می پردازد. از این رو در این بخش به بررسی روش شناختی تاریخ نگاری طبرسی در اعلام الوری که مساله اصلی تحقیق است، می پردازیم.

جنگ پرداختند، دیدن کرد و در نهایت کتاب مغازی خود را تالیف کرد) و محمد بن اسحاق. اولین مورخ اسلامی که با روش تحقیقی به نگارش سیره نبوی صلی الله علیه و آله پرداخت ابن اسحاق است به طوری که مورخین اسلامی در تحقیقهای خود از آن بسیار استفاده کرده و در کتابهای خود از وی به عظمت یاد می کنند. در قرن سوم هجری ابوحنیفه دینوری، محمد بن جریر طبری و یعقوبی ظهور کردند. از میان سیرههایی که امروزه به دست ما رسیده است، سیره ابن هشام جایگاه مقبولی دارد. گر چه سیره ابن هشام از سیره ابن اسحاق گرفته شده، ولی چون در زمان خلفای بنی عباسی تالیف شده عینیت تاریخی را رعایت نکرده و در برخی امور از بیان حقایق اجتناب نموده است.

نخبگان حوزه علمی جهان اسلام خاصه تشیع به عنوان مراکز تصمیم ساز به الگو سازی و نظریه پردازی در ساحت های مختلف علمی در فرهنگ و تمدن اسلامی دست یازیدند. طبرسی و فعالیتهای علمی-فرهنگی او از آن جمله است. او که عالمی بصیر و زمان شناس بود و هدف عالی خود را در جهت حفظ امنیت مسلمین و کیان تشیع می دید فعالیتهای گسترده ای در حوزه های مختلف علمی انجام و آثاری در سطوح الگو سازی از خود بر جای گذارد. کتاب إعلام الوری از آن جمله است. این کتاب تاریخی در نیمه اول قرن ۶ هـ توسط طبرسی نگاشته شد. کتاب مذکور در ساحت های ساخت و معرفت غنی بوده و گنجی با ارزش برای جامعه علمی حاضر است. از این رو برخی ساحت های ساختی مذکور استخراج و در ذیل به آنها اشاره شده است.

اصول روش شناختی تاریخ‌نگاری طبرسی در إعلام الوری را می توان در چهار محور اصلی ارزیابی نمود. به تعبیری دیگر می توان اصول مذکور را در منظومه روش شناختی طبرسی در تاریخ‌نگاری اعلام الوری ارزیابی کرد.

الف: روش تاریخی - حدیثی (تبیین روش شناختی استفاده از منابع تاریخی در تاریخ‌نگاری طبرسی در اعلام الوری)

روش شناسی تاریخ‌نگاری او در اعلام الوری غالباً تاریخی و بدون ذکر مصادر است. او خود را مقید به بیان مصادر ننموده گرچه برخی گزارش های تاریخی را به صورت حدیثی و ذکر مصادر آورده است. لذا به نظر می رسد می توان روش "تاریخی- حدیثی با غلبه روش تاریخی" را برای این کتاب معرفی نمود.

توضیح اینکه طبرسی در برخی موارد نام کتابی که از آن استفاده کرده را ذکر می کند. در برخی موارد به اسامی اکتفا کرده و نام کتاب را بیان نمی کند^۱ لذا خواننده متوجه نمی شود که طبرسی این گزارش تاریخی را از کدام منبع استفاده کرده است. در برخی موارد هم نامی از کتاب و نویسنده آن نمی آورد. نتیجه اینکه طبرسی در این کتاب از مصادر خود یاد نمی کند و بیشتر اخبار را به صورت: نقله الاخبار، نقله الاثار، جاء فی الاثار، روی جماعه من اهل السیر، روی جماعه من اهل التاريخ آورده است. لذا بیان مصادر، بیان نام کتاب و مولف، بیان کتاب بدون ذکر مولف، بیان مولف بدون ذکر کتاب، عدم ذکر کتاب، عدم ذکر مولف و عدم ذکر مصادر آن از روش های استفاده از گزارش های تاریخی در کتاب اعلام الوری است.

^۱ می نویسد: ذکر السید الاجل المرتضی فی بعض مسائله ...

همانطور که گفته شد طبرسی در اعلام الوری در موارد معدود، به ذکر سند پرداخته و نام کتاب و یا شخص و یا هر دو را بیان کرده است. وقتی نام شخصی را بیان می کند به احتمال قوی، کتاب خاصی از آن مولف نزد او بوده است. از این رو می توان به اسامی برخی منابع مفقوده ای که در قرن شش هجری وجود داشته ولی اکنون در دسترس نیستند تا حدودی پی برد. همچنین می توان به فقرات به جای مانده این کتابها که همین نقلهای طبرسی در اعلام الوری است آگاه شد. برای نمونه به برخی از این کتابها و مولفین آنها اشاره می شود. کتاب اخبار ابی هاشم داود بن قاسم الجعفری (طبرسی، ۱۳۹۹: ب: ۳۳۳) که توسط احمد بن محمد بن عبیدالله بن عیاش جوهری نگاشته شده و در رجال نجاشی نیز از آن یاد شده است، (نجاشی، ۱۴۰۸: ق: ۳۷۰) کتاب الرد علی الزیدیه از شیخ ابو عبد الله جعفر بن محمد بن احمد الدوریستی، (طبرسی، ۱۳۹۹: ب: ۳۶۵) کتاب التفهیم از ابو محمد حسینی (طبرسی، ۱۳۹۹: ب: ۲۷۷) و کتاب المغازی از ابان بن عثمان احمر. (طبرسی، ۱۳۹۹: ب: ۹۲ و ۹۱)^۱ چند نکته در این حوزه قابل دقت است.

اول اینکه با مطالعه مصادر مفقوده و موجود که در اعلام الوری نام آنها آمده، از منابعی که در قرن عبق نزد علمای شیعی خاصه طبرسی، دارای اعتبار بودند آگاه می شویم.

نکته دوم اینکه طبرسی از شیخ مفید در این کتاب سخن گفته. با تطبیق گزارشهای الارشاد با گزارشهای تاریخی که از شیخ مفید نقل کرده به این رهیافت نزدیک می شویم که طبرسی از کتاب الارشاد در نگارش کتاب اعلام الوری در حوزه محتوا استفاده می کرده و نام شیخ مفید را در سند آن گزارش (به جای ذکر نام کتاب) بیان می کرده است. (طبرسی، ۱۳۹۹: ب: ۳۶۵) با تتبع مختصر صورت گرفته، گویا حدود ۳۰۰ گزارش تاریخی اعلام الوری با الارشاد شباهت دارد. بیان تاریخی سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بیان منظم حیات تاریخی معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و التزام به آن، پاسخ به شبهاتی در حوزه مهدویت در انتهای کتاب و در نهایت وجود گزارشهای تاریخی منحصر به فرد که در کتاب ارشاد و کتابهای تاریخی دیگر دیده نمی شود، از وجوه تمایز اعلام الوری نسبت به ارشاد مفید است.

نکته سوم اینکه بسیاری از گزارشهایی که طبرسی در اعلام الوری می آورد بدون ذکر مصادر است. علت و زمینه های شکل گیری این روش در تالیفات وی متعدد است که باید در جایی

^۱. برای اطلاع بیشتر ن ک: جعفریان، ۱۳۸۷: ب: ۱۹۶ و ۱۹۷.

دیگر مورد بررسی قرار گیرد چرا که ما به دنبال بیان چستی روش شناختی تاریخ‌نگاری طبرسی در اعلام الوری هستیم نه چرایی آن. لیک در اینجا به برخی از عوامل اشاره می‌کنیم. اول: طبرسی در جامعه ای زندگی می‌کرد که سنت نبوی ﷺ و سنت علوی ﷺ اجمعی به علل مختلفی، در آن متروک بود. یکی از مهمترین علل، خالی بودن جامعه از منبعی روان در این زمینه بود. گرچه شیخ مفید در قرن ۵۰۴ می‌زیست و کتاب ارشاد را با روشی کلامی-تاریخی برای جامعه آن روز نگاشت، (این کتاب به سنت و سیره نبوی ﷺ پرداخته است) لیک خالی بودن نگاشته ای دیگر در این زمینه که بیشتر جنبه تاریخی داشته باشد در جامعه شیعی، احساس می‌شد. لذا با هدف بی‌نیازی جامعه از منبعی جامع در حوزه سیره نبوی صلی الله علیه و آله و سلم و تاریخ معصومین ﷺ کتاب اعلام الوری را نگاشت. ثانیاً هدف وی از نگارش اعلام الوری، بی‌نیازی جامعه از منبعی کامل در حوزه سیره نبوی ﷺ و تاریخ معصومین ﷺ بود لذا بیان مصادر علاوه بر ملال آور ساختن مطالعه کتاب، انقطاع در مباحث را به دنبال داشت که با هدف اصلی طبرسی در نگارش آن در تضاد بود. ثالثاً روش و شیوه طبرسی در نگارش و تالیف، عدم ذکر مصادر است لذا در آثار او از جمله اعلام الوری، این مساله به وضوح مشاهده می‌شود. رابعاً نگارش زندگی نامه پیامبر اسلام ﷺ و پیشوایان شیعه ﷺ توسط طبرسی به نوعی ارائه دیدگاه شیعه در این دو حوزه بود در برابر سیره نگاری مذاهب دیگر. خامساً برخی دانشمندان شیعه در لابلای نگارش های خود، دیدگاه های ویژه خویش را در سیره پیامبر اسلام ﷺ می‌آوردند لذا طبرسی با دقت تمام به نگارش کتاب اعلام الوری در جهت تنویر افکار شیعیان اقدام نمود. (طبرسی، ۱۳۸۸: ۲۳) سادساً نقد رویکردهای اخباری برخی بزرگان شیعی در نگارش اعلام الوری بی‌تاثیر نبود. (طبرسی، ۱۳۸۸: ۲۳)

ب: روش تاریخی-کلامی یا روش ترکیبی

در مورد اینکه در مطالعات تاریخی، علم تاریخ (در صورت پذیرش تاریخ به عنوان یکی از علوم انسانی) با علم کلام چه نسبتی دارد و اینکه در موارد تعارض، تقدم با کدام است؟ همچنین آیا می‌توان در تاریخ از علم کلام استفاده کرد؟ و بالعکس؟ نیز اصولاً انتخاب گزاره های تاریخی، منشأ کلامی دارند به این معنا که اصولاً طرح مساله عینیت تاریخی آیا صحیح است یا خیر؟ (از مسائل فلسفه تاریخ است) و می‌توان مرزی میان علم کلام و علم تاریخ در حوزه نظر و عمل در نظر گرفت یا خیر؟ این مساله در مقام تاریخی به چه صورت محقق شده است؟ و در نهایت میان

علم کلام و علم تاریخ، نظریه تفکیک مقبول است یا نظریه ترکیب؟ در این حوزه، حداقل دو قول وجود دارد: قول به ترکیب و قول به تفکیک. عده ای معتقد به ترکیب گزاره‌های تاریخی و کلامی هستند و عده ای مخالف ترکیب گزاره‌های تاریخی با گزاره‌های کلامی هستند. از این رو، این رهیافت ارتباط مستقیمی با نوع نگارش مورخین دارد.

برای روش شناسی ترکیبی در تاریخ‌نگاری، می‌توان ساحت‌های مختلفی ترسیم نمود، از جمله: تقدم گزاره تاریخی بر گزاره کلامی (به این معنا که معیار و مبنا در مقام تعارض دو گزاره تاریخی و گزاره کلامی، گزاره تاریخی است)، تقدم گزاره کلامی بر گزاره تاریخی (به این معنا که در مقام تعارض دو گزاره، معیار، تقدم گزاره کلامی است)، تقدم گزاره ای که با معیار سومی که در نظر گرفتیم مطابقت کند نظیر عقل، گزاره‌های تاریخی دیگر، گزاره‌های کلامی دیگر و ... (به این معنا که در مقام تعارض دو گزاره، معیار در پذیرش یکی از گزاره‌ها، مثلاً عقل است، هر کدام از گزاره‌های متعارض که منطبق با عقل بود، مقبول و دیگری مردود است یا اینکه معیار در پذیرش و رد آنها، گزاره‌های تاریخی یا گزاره‌های کلامی است)، اگر هر دو گزاره با معیار سوم منطبق و یا غیر منطبق باشد، معیار چهارمی در نظر گرفته می‌شود. لذا می‌توان پس از پذیرش روش ترکیبی، این سوال را مطرح نمود که در چه ساحتی از ساحت‌های مذکور، روش ترکیبی پذیرفته شده است؟

در پاسخ به چپستی روش شناختی تاریخ‌نگاری طبرسی در اعلام الوری باید گفت: اولاً او در نگارش اعلام الوری، از روش ترکیبی استفاده کرده. به این معنا که قائل به ترکیب علم کلام با علم تاریخ و امتزاج آنها در مقام توصیف و تحلیل است. لذا این روش در موضوع‌های مختلف خاصه بیان ادله امامت معصومین علیهم‌السلام در ابتدای تاریخ‌نگاری حیات هر کدام از آنها، مورد استفاده مولف قرار گرفته است. از این رو می‌توان تقویت‌کننده این روش را در راستای استمرار کتاب الارشاد شیخ مفید دانست.

طبرسی در اعلام الوری پابندی خود به روش ترکیبی را نشان می‌دهد و در ادامه با نوع برخورد‌های خود با متون تاریخی، تقدم گزاره‌های کلامی بر گزاره‌های تاریخی را تأیید می‌کند. به این معنا که برای اثبات گزاره ای کلامی از گزاره‌های تاریخی استفاده می‌نماید. این روش در قسمت اثبات امامت ائمه علیهم‌السلام به صورت واضح توسط طبرسی استفاده شده است نظیر باب دوم در رکن دوم، پس از اثبات خلافت و امامت امیرمومنان علی علیه‌السلام است، از طریق ادله عقلی، به بیان نصوص مختلف از جمله گزارش حدیث منزلت و گزارش تاریخی غدیر اقدام می‌کند.

ج: روش صعود معرفتی

الگوی مذکور در مقام ساخت در تاریخ‌نگاری بی‌همتاست. این روش توسط طبرسی در ساحت تاریخ‌نگاری ابداع و در تالیف کتاب اعلام الوری مورد استفاده قرار گرفت. روش شناسی این رویکرد به این صورت است که در هر باب که مخصوص به یکی از ائمه علیهم‌السلام است، پس از بیان اطلاعات تاریخی تولد و شهادت، در مرحله اول به بیان ادله عقلی با روشهای تاریخی و تاریخی-کلامی پرداخته می‌شود و در مرحله دوم ادله نقلی با روشهای مذکور مطرح و پس از آن معجزات ایشان که ارتباط مستقیمی با منصوص بودن امامت دارد به صورت بابی مجزا بیان می‌شود. در مرحله چهارم مناقب و فضائل ایشان در حوزه تاریخی-اجتماعی که مقامی پایین‌تر نسبت به معجزه دارد گزارش داده می‌شود. از این روست که طبرسی در کتاب اعلام الوری در چهار سطح که از بالا به صورت نزولی و تنزلی و از پایین به صورت صعودی است به اثبات مستقیم و غیر مستقیم امامت ائمه معصومین علیهم‌السلام اقدام می‌کند. لذا اثبات امامت در چهار سطح توسط ایشان در این کتاب مطرح می‌شود. ابتدا با ادله عقلی به اثبات امامت می‌پردازد. سپس با ادله نقلی و تاریخی، سطح سوم با بیان معجزات ایشان و در سطح چهارم با ذکر فضائل و مناقب. به نظر می‌رسد این نوع روش که در اعلام الوری به آن اشاره نشده، با هدف اثبات امامت ایشان از طریق ادله عقلی، نص، اعجاز و بیان فضائل توسط طبرسی ابداع و مورد استفاده قرار گرفته است.

د: روش شناسی تاریخ‌نگاری طبرسی در الگو سازی تاریخ‌نگاری ائمه اثنی عشر علیهم‌السلام

طبرسی در اعلام الوری، به الگو سازی در تاریخ‌نگاری معصومین علیهم‌السلام اقدام می‌کند و چپ‌نش جدیدی در نگارش تاریخ معصومین علیهم‌السلام ارائه می‌دهد. این روش تا قبل از او به صورت کامل مطرح نشده بود. به دلیل جامعیت این روش، تا کنون الگوی مورخین شیعی در تاریخ‌نگاری قرار گرفته است (تقریباً). لذا تبیین روش شناختی و نوع نگاه وی به تاریخ‌نگاری ائمه اثنی عشر علیهم‌السلام از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

طبرسی ابتدا به گزارشهای تاریخی در مورد زاد روز و سن و سال امام علیه‌السلام اشاره می‌کند و گزارشهای تکمیلی در این حوزه را بیان می‌دارد. پس از آن به بیان ادله امامت ایشان در چهار ساحت عقل، نقل، اعجاز و فضائل و مناقب می‌پردازد. بعد از آن به حوادث مربوط به شهادت ایشان و گزارشهای تاریخی در این حوزه اشاره و در نهایت با اشاره به نام و تعداد فرزندان،

تاریخ‌نگاری مربوط به امام علیه السلام را به پایان می‌برد. این روش در تاریخ‌نگاری و چینش گزارشها و پدیده‌های تاریخی تا کنون تقریباً مورد استفاده همه مورخینی که در حیطه تاریخ معصومین علیهم السلام کتاب نوشته اند قرار گرفته است. برای آشنایی بیشتر، به مهمترین موضوع‌های پرداخته شده در هر رکن در اعلام الوری اشاره می‌کنیم.

روش‌شناسی چینش مطالب تاریخی کتاب اعلام الوری

محورهای مورد بحث کتاب، به چهار قسم به نام رکن ترتیب یافته که در ادامه به محتوای آنها اشاره می‌کنیم.

اختصاص رکن اول به صورت مجزا و مفصل به سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نیز اختصاص رکن دوم به صورت مفصل به امیر المومنین علی علیه السلام نشان از جایگاه والای نبوت و جانشینی بلافصل امیر المومنین علی علیه السلام نزد طبرسی است. رکن چهارم نیز به دو بخش تقسیم شده که بخش اول آن به بیان ادله عقلی و نقلی عامه و خاصه در مورد ائمه اثنی عشر علیهم السلام است.

رکن اول در شش باب به سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و حضرت زهراء علیها السلام پرداخته است. باب اول تا پنجم مشتمل بر اطلاعات مربوط به حیات ایشان، معجزات و اثبات نبوت و حوادث دوره حیات، مغازی، همسران و اقوام است. باب ششم مشتمل بر گزارشهای تاریخی حیات حضرت زهراء علیها السلام در قالب اسامی، القاب، زمان تولد، عصمت و جایگاه ایشان نزد خداوند، شهادت و مکان دفن ایشان است.

رکن دوم در ۵ باب به حیات تاریخی و امامت حضرت علی علیه السلام پرداخته است. این رکن مشتمل بر موضوع‌هایی نظیر: زمان و مکان تولد ایشان، اسما و القاب، مدت حیات و مدت خلافت و زمان شهادت ایشان، نشانه‌ها و معجزات، خصائص اختصاصی ایشان، فضائل و مناقب، سبب شهادت ایشان و مکان و کیفیت دفن ایشان است. یکی از بابهای پنج‌گانه اختصاص به جانشینی بلافصل ایشان بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله دارد که با روشهای تاریخی، تاریخی-کلامی و عقلی به آن پرداخته شده است. (طبرسی، ۱۳۹۹ ب: ۱۶۲-۱۷۲)

رکن سوم در ده باب به شرح تاریخی امامت و زندگی امام حسن علیه السلام تا امام حسن عسگری علیه السلام پرداخته است. در این ابواب به گزارشهای تاریخی تولد به همراه ادله عقلی و نقلی امامت، خصائص و مناقب، شهادت ایشان اشاره شده است.

بیان تفصیلی حادثه کربلا به همراه جزئیات آن، اشاره به معجزات امام سجاد علیه السلام، بیان نصوص و ادله عقلی امامت هر کدام از ائمه علیهم السلام به صورت جداگانه، پایبندی به نظام واحد موضوعی در هر باب، از ویژگی‌های ابواب مذکور در رکن سوم است. به این ترتیب می‌توان گفت: طبرسی در این ابواب، برای هر امام، بابی جدا در نظر گرفته است. او در ابتدا به بیان خصوصیات شخصی، سن و سال تولد و وفات و کیفیت آن و نیز معرفی فرزندان و مدت خلافت و امامت و محل دفن می‌پردازد. سپس دلایل عقلی و نقلی اثبات امامت هر امام را می‌آورد. در ادامه با بیان معجزاتی از هر امام مطالب خود را ادامه می‌دهد.

رکن چهارم مربوط به امامت ائمه اثنی عشر علیهم السلام اجمعی و امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف است. لذا به دو قسم تقسیم می‌شود. قسمت اول در مورد امامیه اثنی عشر است که مشتمل بر سه فصل است: اخبار عامه که دلالت بر ائمه اثنی عشر دارد، اخبار شیعه که دلالت بر ائمه اثنی عشر دارد و ادله ای که امامت هر یک از ائمه اثنی عشر را اثبات می‌کند. قسم دوم از رکن چهارم، به امامت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف در ۵ باب پرداخته است. اسامی و القاب و کنیه‌ها، زمان و مکان تولد و نیز اسم مادر، رؤیت ایشان، اخبار، نصوصی که پدر ایشان را امام حسن عسگری معرفی می‌کند، استدلال بر امامت ایشان، احوال غیبت و ادله‌ی غیبت و توقیعات، ادله اثبات غیبت و اثبات امامت ایشان از طریق نصوص و نیز برخی ویژگی‌های دوران غیبت، اسامی افرادی که ایشان و یا معجزات ایشان را مشاهده کرده‌اند، وکلای ایشان، نشانه‌های ظهور و زمانی که ظهور اتفاق می‌افتد، روش امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف در حوزه‌های مختلف در زمان ظهور، اوصاف ایشان و شکل و شمایل ایشان، هفت پرسش و پاسخ‌های آنها پیرامون غیبت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، از موضوع های قسمت دوم رکن چهارم است.

۲-۲: تبیین محتوایی تاریخ‌نگاری طبرسی در اعلام الوری

تحلیل معرفت شناختی تاریخ‌نگاری از مباحث مهمی است که به نظر می‌رسد ارتباطی هر چند محدود با عینیت تاریخی دارد. لذا در این مقطع به توصیف و تبیین محتوایی تاریخ‌نگاری طبرسی در اعلام الوری در دو حوزه می‌پردازیم. حوزه اول در مورد ورود عنصر اعجاز به عنوان رکن سوم از ارکان اثبات امامت ائمه علیهم السلام در عرض عقل و نقل است. نظریه تقریب در ساحت تاریخ‌نگاری طبرسی حوزه دیگری است که با آن خواهیم پرداخت.

الف: عنصر اعجاز به عنوان رکن سوم در عرض ارکان عقل و نقل

همانطور که در تبیین روش شناختی تاریخ‌نگاری طبرسی بیان شد یکی از روشهای طبرسی در تاریخ‌نگاری، استفاده از روش صعود معرفتی در حوزه اثبات امامت معصومین علیهم‌السلام است. این روش از چهار جزء تشکیل شده که عبارتند از: ادله عقلی، ادله نقلی، معجزات، فضائل و مناقب. ورود معجزات در کاربست اجتماعی امامت به صورت واضح و در عرض موارد دیگر، توسط وی در کتاب اعلام الوری تاکید شده. لذا در رکن دوم، باب سوم می‌نویسد: معجزات خارق العاده که موید امامت امیر المؤمنین علی علیه‌السلام است و دلالت بر جایگاه (عظیم وی) نزد خداوند متعال دارد... (طبرسی، ۱۳۹۹: ب ۱۷۲) در حالی که شیخ مفید در الارشاد می‌نویسد: اخباری در مناقب و فضایل و حکمت‌ها و مواعظ حضرت (علی علیه‌السلام) و بیان معجزات صادر شده از ایشان و قضاوت‌های ایشان از جمله ی این برتری‌ها اخباری است که حاکی از تقدم ایمان حضرت به خداوند متعال و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و ایشان گوی سبقت را در ایمان از همگان ربوده است. (مفید، ۱۳۹۰: ۴۳) لذا طبرسی در این حوزه خود را ملزم به ورود اعجاز به مباحث امامت کرده و این نوع نگاه به امامت را (فارغ از صحت و عدم آن) به عنوان رویکردی نوین^۱ به جامعه علمی مسلمانان، ارائه داده است. بیان چند نکته در این حوزه ضروریست. اول اینکه طبرسی مرتبه اعجاز را در قوت و ضعف در مرتبه سوم قرار داده، یعنی پس از ادله عقلی و ادله نقلی و قبل از بیان فضائل و مناقب که این خود حکایت از نگاهی خاص وی در این حوزه است. دوم اینکه آیا ورود اعجاز به بحث امامت اصولاً صحیح است یا خیر؟ و اینکه اثبات امامت همانند نبوت نیاز به اعجاز دارد؟ اگر نیاز دارد، ادله آن چیست و اگر نیاز ندارد ادله آن چه چیزهایی است؟ اگر نیاز به اعجاز دارد، پس چه تفاوتی میان نبوت و امامت است؟ و اگر نیاز ندارد، چه لزومی داشت تا ائمه معصومین علیهم‌السلام، از آن استفاده کنند؟ و سوال‌های دیگر که محل بحث آنها در علم کلام است و از حوزه مساله این تحقیق خارج.

ب: نظریه تقریب در تاریخ‌نگاری طبرسی

رویکرد تقریبی طبرسی در فعالیتهای علمی-فرهنگی با هدف "صعود اقترابی و سکوت افتراقی" بود. لذا وی با تمام توان در ارائه روشهای نوین در جهت نیل به هدف مذکور قدم بر داشت. برای شناخت حیات علمی-فرهنگی شیخ طبرسی لازم است ابتدا وضعیت سیاسی-

^۱ البته شیخ مفید در ارشاد در برخی موارد به این مساله اشاره کرده، لیک همانند طبرسی بر آن تاکید نداشته است.

اجتماعی و فرهنگی - مذهبی زمان حیات وی روشن شود تا بتوان از این طریق به تحلیل معرفتی در حوزه تاریخ‌نگاری وی به صورت شفاف پرداخت.

۱: تاریخ عصر طبرسی

در ذیل به صورت مختصر به مهمترین حوزه های تاریخی در ایران مقارن حیات طبرسی که مرتبط با مساله تحقیق است پرداخته می شود.

۱-۱: تاریخ سیاسی

زمان او مصادف با درخشانترین دوره حکومت سلجوقیان است.^۲ لذا خلفای عباسی در این دوره دچار ضعف بودند. اگر چه همه سلاطین سلجوقی سنی مذهب بودند ولی سلطه خود را بر خلفا تحمیل نمی کردند. خلفای شش گانه عباسی در عصر طبرسی عبارتند از: القائم بن القادر (۴۲۲=۴۶۷ق) بیست و ششمین خلیفه عباسی، المقتدی (۴۶۷-۴۸۷ق)، المستظهر (۴۸۷-۵۱۲ق)، المسترشد (۵۱۲-۵۲۹ق)، الراشد (۵۲۹-۵۳۲ق)، المقتفی (۵۳۲-۵۵۵ق). همه این خلفا در عصر طبرسی، مقهور قدرت سلاجقه سرزمین‌های اسلامی را اداره می کردند. (کریمان، حسین، طبرسی و مجمع البیان، ۱۳۴۱: ۱-۴۲)

۲-۱: فرهنگ مذهبی و فرهنگ سیاسی

به دلیل آرامش سیاسی و اقتصادی و نیز وجود حاکمان علم دوست نظیر نظام الملک که با تمام مشغله کاری درس روزانه خود را تعطیل ن مولفه های فرهنگی از جمله علم و علم آموزی در این دوره در ایران گسترش یافت. این دوره صد ساله (نیمه دوم قرن ۵ و نیمه اول قرن ۶ق) از ادوار درخشان علوم شرعی و ادب ایران است، به طوری که کتب مهم این دو حوزه از علوم، در این دوره تألیف شد. به همین دلیل است که این دوره از اعصار تابناک و برجسته مذهب تشیع است. به طوری که شمار دانشمندان شیعی این عصر از دیگر اعصار بیشتر ارزیابی شده. لیک به دلایل نامعلومی بازار علوم عقلی چندان گرم نبود و اهمیت خود را از دست داده بود. وحدت فرهنگی در ممالک اسلامی دیده می شد به طوری که اگر کتابی در ماوراء النهر تألیف می شد در

^۲ سلاجقه نظیر آل بویه بر خلفا غالب بودند و خلفا به فرمان ایشان کار می کردند. نام ایران را بلند کرده و بلاد آباد گردید و دانش پژوهان و طالبان علم فرصت مناسب برای رشد یافتند لذا عالمان بزرگ در عصر سلاجقه ظهور کردند. مقارن استیلای سلاجقه خلافت عباسی دچار ضعف بود.

اسپانیا انتشار می‌یافت. آزادی مذهبی، عدالت گستری نسبت به دیگر اعصار، عدم تعصب (که باعث شد مدارس شیعی در سبزووار، ری، قم، ورامین، کاشان و آبه به عدد ۴۰ برسد با موقوفه و درآمد کافی)، از دستاوردهای این دوره است که سهم به سزایی در گسترش علوم و فنون داشت. علمای برجسته ای از دو مذهب شیعه و تسنن ظهور یافتند. برخی از مهمترین علمای شیعه و سنی عصر طبرسی عبارتند از: شیخ طوسی، خطیب بغدادی، خواجه عبد الله انصاری، ابوحامد غزالی، بطغرابی، حریری صاحب مقامات، حکیم عمر خیام نیشابوری، حکیم سنایی، جار الله زمخشری، عبد الکریم شهرستانی، قطب راوندی، عبدالکریم بن محمد سمعانی مروزی شافعی، ابوالفتوح رازی. (کریمان، ۱۳۴۱، ج: ۱، ۴۲-۵۶ و ۱۶۶)

شاید کسی بگوید آرامش مذکور ثمره وحدت در مذهب در سرزمین های اسلامی بوده است. می‌گوییم تنوع مذهبی در سرزمینهای اسلامی خاصه ایران به شکل فزاینده‌ای زیاد بود که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود:

جغرافیای مذهبی سرزمین‌های اسلامی مقارن عصر طبرسی: در این عصر همه مشرق بلاد اسلامی حنفی مذهب، در نیشابور شافعی مذهب، در شام اهل حدیث، در اندلس مالکی مذهب، در شمال افریقا تا مصر حنفی مذهب، در مصر بیشتر فاطمی مذهب، در یمن و طایق و مکه و کوفه و گیلان و مازندران زیدی مذهب، در مکه چهار مذهب اهل سنت و زیدیه، در صنعا و صعده حنفی مذهب، در عمان داوودیه، در بصره اکثر قدریه، در بغداد اکثر شیعه و حنبلی، الموت قزوین اسماعیلی مذهب، در آذربایجان شافعی مذهب، در لرستان و کرج و اصفهان و گلپایگان و نهاوند اغلب مشبه و مجسمه، در خوزستان اکثر معتزله، در فارس اهل حدیث، در کرمان شافعی، در سند و مکران اهل حدیث، در ری غلبه با شیعه و در سیستان خوارجی مذهب بودند. (کریمان، حسین، طبرسی و مجمع البیان، ۱۳۴۱: ۶۰-۶۴)

شیعه امامیه اثنی عشریه اصولی در این اماکن ساکن بودند: حلب، حران، حله، بحرین، بغداد، کوفه، مشهد ائمه علیهم‌السلام شامل مشهد و قم و ...، کاشان، آوه، سبزووار، گرگان، استرآباد، دهستان، جربایقان، بلاد مازندران، بخشی از دیار طبرستان و ری، نواحی بسیاری از ری، بخشی از قزوین، بخشی از قرقان. (کریمان، حسین، طبرسی و مجمع البیان، ۱۳۴۱: ۶۰-۶۴)

شیعه امامیه اثنی عشریه در زمان حکومت علویان و آل بویه قدرت یافتند ولی در زمان غزنویان به دلیل تعصب مذهبی آنها، شیعه اثنی عشریه در محدودیت و ضعف به سر برد تا دوره سلجوقیان که دوباره محدودیت‌ها برداشته شد و عالمان و دانشمندان شیعه قدرت فعالیت‌های

علمی - فرهنگی یافتند نظیر شیخ طبرسی. حتی در روز عاشورا شیعیان به عزاداری می‌پرداختند. (کریمان، ۱۳۴۱، ج ۱: ۵۶-۱۶۵) نتیجه تسامح مذهبی حکومت در حوزه فرهنگ دینی، تنوع مذهبی ذیل پرچم اسلام در بلاد اسلامی به صورت حداکثری است و ثمره شکل‌گیری این جنین فضایی است که همه شوون اجتماعی ایران ترقی محسوس پیدا می‌کند و شیعه هم پا به پای این پیشرفت‌ها گام بر می‌دارد و در تشیید ارکان خود از تاسیس مدارس و مساجد و تالیف و تصانیف و اقامه آداب و اصول به صورت گسترده استفاده می‌کند. به طوری که گفته می‌شود این دوره از اعصار تابناک و برجسته مذهب تشیع است و شمار دانشمندان شیعی مذهب این عصر از دیگر اعصار بیشتر. (کریمان، ۱۳۴۱، ج ۱: ۱۶۶) در کنار این آرامش مذهبی، میان شیعیان دو جریان در حال تطور کلامی بود یکی جریان اصولی و دیگری جریان حشوی، اخباری و غالی. لذا می‌توان فضای فرهنگی - مذهبی دوره طبرسی را این گونه ارزیابی کرد که میان مذاهب اسلامی درگیری شدیدی وجود نداشت که این خود حاصل عوامل و زمینه‌های مختلفی است و ثانیاً اینکه شیعیان به دو جریان اخباری (حشوی و غالی) و اصولی تقسیم شده بودند. موضوع بحث پیش روی در مورد مساله اولی یعنی تعامل مثبت میان مذاهب اسلامی شیعی و سنی در آن دوره است.^۳ در این فضا بود که مرحوم رضی در قرن ۵ق نهج البلاغه را طوری جمع‌آوری کرد که مورد قبول عامه مسلمانان باشد. (جعفریان، ۱۳۷۵ الف، ج ۲: ۵۹۱)

۲. نظریه تقریب

پس از بیان مختصری از تاریخ حیات علمی - فرهنگی طبرسی و نیز تاریخ اجتماعی - فرهنگی و فرهنگ مذهبی دوره طبرسی، به تبیین نظریه تقریب می‌پردازیم.

۲ - ۱: تعریف نظریه تقریب

دیدگاه‌های متعددی در حوزه نوع برخورد با مذاهب اسلامی در مقام منطق وجود دارد. حذف حداکثری، حذف حداقلی، پذیرش حداکثری و پذیرش حداقلی از آن جمله‌اند. در حذف حداکثری، همه مولفه‌های مشترک و غیر مشترک کنار گذاشته شده، تاکید بر نفی حداکثری مذاهب اسلامی غیر شیعی می‌شود. در حذف حداقلی، تاکید بر مشترکات و بررسی و ارزیابی

^۳. شیخ طبرسی در مورد مساله دوم ورود پیدا کرده و به شدت از حشویه انتقاد می‌کند. طبرسی با رد حشویه، عقیده تحریف قرآن را به حشویه شیعی (غلات) نسبت می‌داد. (جعفریان، ۱۳۷۵ الف، ج ۲: ۱۹۴ و ۵۵۴)

مفترقات است. پذیرش حداکثری به دنبال پذیرش همه دیدگاه‌های آنها است که تقریباً امری محال است. در پذیرش حداقلی، تاکید بر مشترکات است به تعبیری دیگر روی دیگر سکه حذف حداقلی است. طبرسی با سکوت حداکثری در مسائل اختلافی، پذیرش حداکثری مشترکات را مد نظر داشت. به نظر می‌رسد طبرسی با دور اندیشی به دنبال ایجاد وحدت در حوزه‌های مختلف علمی-فرهنگی میان مسلمانان مذاهب مختلف اسلامی بود. لذا نظریه تقریب الگویی مناسب در این ساحت ارزیابی می‌شود.

تقریب: نزدیک کردن، نزدیک گرداندن. (دهخدا، ۱۳۴۳، ج ۱۵: ۸۳۸)

تقریب مذاهب: ^۴ پایه گذاری حرکت در جهت نزدیک کردن پیروان مذاهب اسلامی توسط علمای اسلامی با هدف نزدیک ساختن شیعیان و اهل سنت به یکدیگر و رفع اختلافات و خنثی نمودن دشمنی میان آنها.^۵ (مولفین، ۱۳۷۵، ج ۷: ۷۷۳ و ۷۷۴)

۲-۲: مولفه های نظریه تقریب

هر نظریه ای در قالب و محتوا دارای عناصر و اصولی است. همچنین دارای زمینه ها و عواملی است که منجر به شکل گیری نظریه می‌شود. لذا در ادامه به برخی از مهمترین زمینه‌های شکل گیری نظریه تقریب اشاره می‌کنیم.

الف: مقام منطقی حجیت قول و فعل معصوم علیه السلام از منظر مذاهب اسلامی.

ب: مقام تاریخی حجیت قول و فعل معصوم علیه السلام از منظر مذاهب اسلامی

ج: توصیف و تبیین مقام منطقی حجیت قول و فعل معصوم علیه السلام از منظر مذاهب اسلامی.

د: توصیف و تبیین مقام تاریخی حجیت قول و فعل معصوم علیه السلام از منظر مذاهب اسلامی.

س: مقام منطقی حفظ جان، آبرو و ناموس مسلمین.

ش: مقام تاریخی حفظ جان، آبرو و ناموس مسلمین.

ص: مقام منطقی و مقام تاریخی حفظ کیان اسلام.

ض: مقام منطقی و مقام تاریخی حفظ، گسترش و بازتولید فرهنگ و تمدن اسلامی.

^۴ Approximation.

^۵ این رویکرد از صدر اسلام تا کنون با اهداف سیاسی و فرهنگی استمرار داشته. لذا از بزرگان سیاسی و مذهبی به این مساله توجه داشتند. از منصور تا مامون تا نادرشاه. در تاریخ معاصر ایران، علمای اسلام توجه ویژه‌ای به این مساله داشتند نظیر آیت‌الله بروجردی، امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری حفظه‌الله. (مولفین، ۱۳۷۵، ج ۷: ۷۷۳ و ۷۷۴)

زمینه‌های مذکور از مسائل بنیادینی هستند که لازم است در جایی دیگر به تفصیل به آنها پرداخته شود.^۶

تعریف نظریه تقریب^۷: برنامه تحقق نگاه حداکثری به مشترکات مذاهب اسلامی و نگاه حداقلی به افتراقات مذاهب اسلامی در حوزه های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه اسلامی و غیر اسلامی.

۲- ۳: توصیف نظریه تقریب در حیات علمی-فرهنگی طبرسی

به نظر می‌رسد الگوی تقریب به صورت گفتمان در این دوره توسط علمای شیعه با مدیریت ایشان شکل گرفت. به طوری که موضع گیری های صریح طبرسی در نگارش کتاب و فعالیت‌های علمی دیگر، این مساله را به عنوان یکی از پایه های اصیل تشیع که رو به فراموشی بود احیا نمود.^۸ به همین دلیل است که می توان او را احیاگر گفتمان تقریب لقب داد.

مواضع سیاسی-اجتماعی طبرسی در راستای حفظ اسلام اصیل و تقویت تفکر شیعی بود. به عنوان مثال در دوران سلطنت سلجوقیان در ایران، کتاب مجمع البیان خود را به تشویق ابو منصور محمد بن یحیی بن هبه الله الحسینی که از نقبای بزرگ آل زیاره در زمانش بود نگاشت، کتاب جواهر الجمل را نیز به او هدیه نمود. کتاب إعلام الوری بأعلام الهدی را به شاه شیعه مازندران علاء الدوله علی بن شهریار بن قارن (سلطنت ۵۱۱ تا ۵۳۴ ه ق) اهداء کرد، وی از سلاطین شیعی مازندران است که صاحب کتاب نقض نیز از او تجلیل کرده. (جعفریان، ۱۳۷۵، ج ۲: ۵۱۱ و ۵۱۲) طبرسی در کنار رویکرد تقریبی دست از اعتقادات خود بر نداشت و در آثار خود با جدیت و نوآوری، اقدام به حفظ، گسترش و ارتقای مفاهیم تشیع کرد.^۹ هیچ گاه در آتش اختلاف نمی‌دمید بلکه با روشی مبتنی بر عقلانیت مذهبی می‌کوشید در کنار تاکید بر حقانیت تشیع، مذهب تسنن را تخریب نکرده، موجبات اختلاف افکنی را فراهم ننماید.

^۶ همچنین اصول تشکیل دهنده هندسه معرفتی نظریه تقریب در سه حوزه قابل طرح است که باید در جایی دیگر مورد بررسی قرار گیرد. الف: اصول هستی شناختی نظریه تقریب. ب: اصول انسان شناختی نظریه تقریب. ج: اصول جهان شناختی نظریه تقریب.

^۷ Approximation theory.

^۸ ن ک : همین مقاله، قسمت آثار علمی طبرسی.

^۹ در درگیری‌های میان تشیع و تسنن، جانب تشیع را می‌گرفت به عنوان مثال در درگیری میان سلجوقیان و علویان طبرستان بود که شیخ طبرسی کتاب خود را به سلاطین شیعی این دیار تقدیم کرد.

موفه‌ها و گزارش‌های متعددی در ساحت‌های ساخت و معرفتِ نظریه تقریب، در تاریخ علمی - فرهنگی طبرسی وجود دارد که به تفصیل به آنها در بخش‌های قبلی پرداخته شد. لیک به دلیل اهمیت موضوع در مقام توصیف به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم

۱- ۲- ۲: عفت قلم

مهمترین مولفه اخلاقی او که باعث شد مورد احترام دوست و دشمن قرار گیرد، عفت قلم و انصاف او بود. عفتی که در قلم او یافت می‌شود نشان از عدم تعصب مذهبی او دارد به طوری که به همه فرق به یک دیده می‌نگریست و هر آن چه که صحیح و معقول بود از مخالف و موافق بازگو می‌کرد و در تقدیم و تاخیر اسامی یک جانبه برخورد نمی‌نمود. تاریخ اجتماعی - مذهبی زمان او طوری بود که عالمان فرق مذهبی به اقوال معتقدان طریقه ی خویش بسنده می‌کردند و روایت‌های مخالفان خود را در هر صورتی مطرود می‌شمردند. در این برهه بود که طبرسی متهم شد که بیشتر مجمع البیان را از عامه بیان و از تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام اندکی نقل کرده است. بیان او در مورد کشف^{۱۰} نیز موید رویکرد تقریبی او است. (کریمان، ۱۳۴۱، ج ۱: ۲۵۷-۲۶۰)

۲- ۲- ۲: استفاده از اساتید مذاهب اسلامی

مرحوم طبرسی از استادان کم نظیری بهره برد که برخی از آنها عبارتند از: شیخ جعفر الدوریستی صاحب کتاب الرد علی الزیدیه، حسن بن حسین بن بابویه قمی رازی، شیخ ابوالحسن بیعی صاحب مستردک الوسائل، حاکم موفق بن عبد الله عارف نوغانی که از علمای عامه بوده و طبرسی در فصل سوم اعلام السوری شرح حال حضرت رضاء را از وی روایت نموده.^{۱۱} (کریمان، ۱۳۴۱، ج ۱: ۲۹۰-۳۰۰؛ نواب، ۱۳۸۱: ۱۲-۱۴۹)

^{۱۰} طبرسی در مورد کشف در ابتدای تفسیر جوامع الجامع خود می‌گوید: پس از تالیف مجمع البیان چون به کتاب کشف برخورد کردم و کشف را دارای بدایع و روایعی یافتم که در کتابی دیگر یافت نمی‌شد از آن بدایع و روایع خلاصه ای در کتابی مجتمع الاطراف نهادم و بر آن شدم که آن را کافی شافی نام نهادم. (طبرسی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۸)

^{۱۱} طبرسی می‌نویسد: حاکم موفق بن عبدالله عارف نوقانی برای من روایت کرد و می‌گفت که ... (طبرسی، ۱۳۹۹: ۳۰۹)

۳- ۲- ۲: کثرت شاگردان

کثرت شاگردان در درس ایشان در زمانی بود که دانشمندان هم عصر ایشان زیاد بودند مانند: مرحوم طبرسی صاحب احتجاج، فتال نیشابوری مولف روضه الواعظین، راغب اصفهانی مولف مفردات، شهرستانی مولف الملل و النحل، ابوالفتوح رازی مولف تفسیر روح الجنان، جار الله زمخشری مولف تفسیر کشاف، ابوحامد غزالی مولف احیاء العلوم. لیک به دلیل رویکرد تقریبی و احاطه علمی وی به علوم مختلف، تمایل شاگردان به دروس ایشان بیشتر از دیگر اساتید بود.

۴- ۲- ۲: تالیفات تقریبی (نظریه تقریب در حوزه استفاده از منابع در تاریخ‌نگاری)

طبرسی با تکیه بر نظریه تقریب، تالیفات متعدد در حوزه های مختلف علمی تولید کرد که هر کدام از آنها ظرفیت الگویی قابل ملاحظه ای در ساحت تالیف دارند. برخی از این تالیفات عبارتند از:

الف: تاریخ‌نگاری اعلام الوری

تحلیل معرفت شناختی اعلام الوری، گرایش طبرسی به "نظریه تقریب" را تایید می‌کند. منظومه روش شناختی تاریخ‌نگاری طبرسی در اعلام الوری و همچنین تحلیل محتوای تاریخ‌نگاری وی در اعلام الوری به صورت مبسوط در صفحات قبل مورد بررسی قرار گرفت.

ب: کتاب الموتلف من المختلف

طبرسی این کتاب را به نوعی بر خلاف روش کتاب شیخ طوسی به رشته تحریر در آورد. نکته جالب اینکه نام این کتاب برخلاف کتاب اصلی که مسائل الخلاف است، الموتلف من المختلف بین ائمه السلف می باشد. او قبل از اینکه به مسائل اختلافی توجه کند به مسائل مورد اتفاق توجه نموده و نام کتاب را با این انگیزه مقدس هماهنگ کرده و آنچه مورد ائتلاف و مایه اتفاق است از میان مسائل اختلافی برگزیده. طبرسی از علمای پیشین که صاحب آن اقوال مختلف هستند به ائمه سلف یاد کرده است. کار او مانند فعالیت ابوالحسن اشعری است که نام کتاب خود را مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین گذارد.

ج: تفسیر مجمع البیان

طبرسی نظریه تقریب را در نگارش تفسیر مجمع البیان رعایت کرد و خود را در تالیف آن، ملتزم به رویکرد تقریبی نمود تا جایی که مورد انتقاد برخی قرار گرفت. نظیر صاحب حدائق که در همین رابطه گفته: بیشتر روایات تفسیر مجمع البیان از قول مفسران عامه است و از خاصه جز قلیلی از تفسیر عیاشی و علی بن ابراهیم قمی نقل نکرده است، همین انتقاد را مرحوم تنکابنی در قصص العلما بیان کرده است.^{۱۲} (کریمان، ۱۳۴۱، ج ۲: ۱۵۱)

د: تلخیص و گزیده نویسی تفسیر کشف زمخشری

طبرسی پس از نگارش تفسیر مجمع البیان، با تفسیر کشف زمخشری آشنا می شود. با مطالعه آن از ظرایف و بدایع آن خوشش آمده و آن را تلخیص و انتخاب می کند و نام آن را الکافی الشافی می گذارد.^{۱۳} لذا رویکرد تقریبی را بدون هیچ گونه تعصب مذهبی در این تالیف به ملته ظهور می گذارد و نظریه تقریب را در حد اعلی به جامعه علمی - مذهبی تشیع و جهان اسلام ارائه می دهد.

لذا در ساحت تالیف متون "نظریه تقریب" را به عنوان اصلی که باید به آن پایبند بود معرفی و خود را به آن در نگارش ملتزم کرده بود. از این روی، رهیافت وی در تالیف، رویکردی تقریبی است که کتاب‌های الموتلف و اعلام الوری و مجمع البیان نمونه های این رویکرد در حیات علمی - فرهنگی وی هستند.

۲ - ۴: تبیین نظریه تقریب

طبرسی نظریه تقریب را به صورت آشکار در مقابل "نظریه تقطیع" که از روش حذف استفاده می کند ارائه و به جامعه اسلامی معرفی نمود. در این بخش به کشف چرایی وقوع این کنش به معنای عام، در حیات علمی - فرهنگی طبرسی می پردازیم.

^{۱۲}. گویا طبرسی در آن از بیش از ۳۹ مفسر و محدث عامه روایت نقل کرده است. (کریمان، ۱۳۴۱، ج ۲: ۱۰۶ -

۱۴۲)

^{۱۳}. نام این تفسیر در منابع متفاوت بیان شده است. الکاف الشاف من کتاب الکشاف را خوانساری در روایات الجنات آورده است (خوانساری، ۱۳۹۲، ج ۵: ۳۵۹)

الف: فضای مطلوب سیاسی-اجتماعی

وجود فضای تقریباً مطلوب در حوزه سیاسی-اجتماعی در زمان طبرسی،^{۱۴} را می‌توان از مولفه‌های مهم تکوین و گسترش این رویکرد ارزیابی نمود. روی کار آمدن حاکمان علم دوست (سلجوقیان) نظیر نظام الملک که در تولید و گسترش علوم در این دوره نقش به‌سزایی داشتند.

ب: بصیرت مذهبی

طبرسی با احاطه بر علوم مختلف اسلامی و برخی علوم غیر اسلامی نظیر جبر و حساب و هندسه،^{۱۵} به خوبی دریافته بود تنها راه حفظ، گسترش و توسعه دین اسلام خاصه تشیع، نظریه تقریب است به تعبیری دیگر مسیر توسعه و گسترش تشیع و اسلام، جاده تقریب است.

ج: تسلط بر همه علوم اسلامی

تسلط طبرسی بر همه جوانب علوم اسلامی و تسلط بر علوم اسلامی مذاهب دیگر،^{۱۶} نگرش او را در حوزه تقریب شکل و تقویت کرد. لذا می‌توان محیط بر علوم مختلف اسلامی را از موثرترین عوامل و حتی زمینه‌های در شکل‌گیری این رویکرد در این عالم فرهیخته جهان تشیع دانست.

د: ارتباط میان علمای اسلام

ارتباط صمیمی میان علمای مذاهب اسلامی آن دوره،^{۱۷} از دیگر عوامل شکل‌گیری نظریه تقریب ارزیابی می‌شود. البته باید به زمینه‌های شکل‌گیری این رویکرد و نیز عوامل مستقیم و غیر مستقیم در این حوزه نیز دقت نمود.

ارتباط مسالمت‌آمیز میان حوزه‌های علمی مذاهب اسلامی و برگزاری دروس مذاهب اسلامی در مدارس دینی مشترک، در کنار غلبه روح "هم‌زیستی مذهبی" و "مدارای مذهبی" بر "نظریه تقطیع"، زمینه‌های شکل‌گیری "ارتباط تقریبی" را فراهم آورد و در همین راستا مراکز

^{۱۴}. همین مقاله، قسمت تاریخ عصر عباسی.

^{۱۵}. همین مقاله، قسمت حیات علمی-تاریخی طبرسی.

^{۱۶}. همین مقاله، قسمت حیات علمی-تاریخی طبرسی.

^{۱۷}. همین مقاله، تاریخ عصر طبرسی.

مختلف علمی - فرهنگی در این دوره تکوین و گسترش یافت.

س: وجود ویژگی‌های اخلاقی-مذهبی بارز

انصاف، ادب، حق شناسی، پاکی نفس و طهارت نفس، عدم تعصب مذهبی، از بارزترین ویژگی‌های اخلاقی وی معرفی شده است.^{۱۸} مهمترین مولفه اخلاقی او که باعث شد مورد احترام دوست و دشمن قرار گیرد، عفت قلم و انصاف او بود. عفتی که در قلم او یافت می‌شود نشان از عدم تعصب مذهبی او دارد به طوری که به همه فرق به یک دیده می‌نگریست و هر آن چه که صحیح و معقول بود از مخالف و موافق بازگو می‌کرد و در تقدیم و تاخیر اسامی یک جانبه برخورد نمی‌نمود. تاریخ اجتماعی- مذهبی زمان او طوری بود که عالمان فرق مذهبی به اقوال معتقدان طریقه‌ی خویش بسنده می‌کردند و روایت‌های مخالفان خود را در هر صورتی مطرود می‌شمردند. (کریمان، ۱۳۴۱، ج ۱: ۲۵۷-۲۶۰) از همین روست که امین الاسلام مورد احترام دوست و دشمن است.

ش: بازگشت به سیره نبوی صلی الله علیه و اله و سلم و دوری از نزاعهای درون مذهب

او که یگانه راه برون رفت از نزاعهای درون مذهبی مسلمانان را تاکید بر مشترکات و دوری از مفترقات می‌دید، در حوزه گرایشهای مذهبی- اجتماعی، بر همپوشانی مذهبی در اجتماع تاکید داشت به طوری که این رویکرد در فعالیتهای علمی- فرهنگی او در حوزه تالیفات، (به صورت مبسوط در همین مقاله به تبیین روش شناختی آن پرداخته شد)، استفاده از منابع، عدم ذکر برخی گزارشهای تاریخی، تربیت شاگردان و استفاده از علمای مذاهب دیگر اسلامی تجلی یافت. لذا این گرایش در گزارشهای تاریخی حیات ایشان مکرر در مکرر مشاهده می‌شود.

ص: وجود علمای هم فکر

طبرسی در دوره‌ای زندگی می‌کرد که به دلایل مختلف، عالمان شیعی نظیر عبد الجلیل قزوینی و قوامی رازی در مسیر تقریب گام می‌گذاشتند و از ایجاد تنش و بحثهای تفرقه افکنانه

^{۱۸}. در مقدمه‌ی کتاب تفسیر جوامع الجامع خود به صراحت اعتراف به فضل و علم و شایستگی عالم معاصر خود یعنی علامه زمخشری و تفسیر کشاف او می‌کند، همچنین: شیخ محمود شلتوت، شیخ اسبق جامع الزاهر در مقدمه‌ی خود بر کتاب مجمع البیان چاپ دار التقرب، درباره‌ی صفای باطنی و روحیه‌ی پاک طبرسی و خصوصیات مجمع البیان و جوامع الجامع مبسوط به مدح سرایی از این عالم شیعه پرداخته است

می‌پرهیزدند. (جعفریان، ۱۳۸۷ ب: ۱۹۵) لذا طبرسی با پشتوانه ای محکم گام در این عرصه نهاد و با قدرت نظریه مذکور را در ساحت‌های مختلف علمی-فرهنگی وارد کرد و با نگارش‌های متعدد با این رویکرد آن را قوام بخشید و ماندگار کرد. لذا تقریب مذاب را باید با عقبه ای ۱۰۰۰ ساله تحلیل و در گفتمان‌های بین مذاهب مطرح کرد. آن هم با رهبری علمای شیعی و سنی و نه بدنه مردم.

۳. نظریه تقریب و استفاده از منابع در تاریخ‌نگاری اعلام الوری

طبرسی که رویکرد تقریبی را مهمترین عامل حفظ اسلام، امت اسلامی و گسترش تشیع می‌دانست به تعریف، توصیف و تبیین آن در ساحت‌های مختلف علمی-فرهنگی پرداخت. لذا در ساحت تالیف با تاکید بر این رویکرد، به نگارش دومین کتاب مهم تاریخ ائمه علیهم‌السلام به همراه سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دست یازید. وی با تالیف آن، "نگاهی نو به تالیف سیره نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام" را به حوزه های علمی معرفی کرد. طبرسی که عفت قلم و صداقت مذهبی اش زبازرد بود، در نگارش کتاب اعلام الوری نیز آن را مبنا قرار داد و در استفاده از منابع مذاهب اسلامی غیر شیعی در کنار استفاده از منابع شیعی، برای خود هیچ محدودیتی قائل نشد و از آنها با ذکر نام، استفاده کرد. در ذیل ابتدا به برخی از مهمترین منابع طبرسی در اعلام الوری اشاره می‌کنیم و سپس به منابع مذاهب اسلامی دیگر می‌پردازیم.

۳ - ۱: برخی از مهمترین منابع طبرسی در اعلام الوری

کتاب عیون اخبار الرضا علیه‌السلام تالیف شیخ صدوق.

کتاب الارشاد تالیف شیخ مفید. طبرسی یک بار به صورت صریح نام این کتاب را بیان کرده^{۱۹} و در موارد دیگر با تعبیر قال الشيخ المفید ابو عبدالله از این کتاب نقل روایت کرده است کتاب کمال الدین و تمام النعمه تالیف شیخ صدوق که طبرسی در تمام موارد از همین تعبیر استفاده کرده است و نه اکمال الدین و اتمام النعمه. همچنین او در قسمت مربوط به حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی فرجه الشریف از این کتاب بسیار استفاده کرده است.

کتاب الغیبه تالیف شیخ طوسی

کتاب عیون الاخبار تالیف شیخ صدوق.

^{۱۹}. رک: ج ۲ ص ۳۲.

کتاب مسند الرضا علیه السلام.

کتاب الشافی فی الامامه تالیف سید مرتضی.

کتاب الکافی تالیف شیخ ابو جعفر کلینی. طبرسی به صورت مکرر در مکرر از ان نقل روایت کرده و درباره کلینی می نویسد: و هو من اجل رواه الشيعه و ثقاتها . نکته جالب اینکه بیشتر نقلهای مربوط به اخبار اثبات امامت و معجزه های ایشان از طریق همین کتاب است.

کتاب تفسیر علی بن ابراهیم قمی. طبرسی در یک مورد تصریح به تفسیر علی بن ابراهیم قمی می کند ولی در موارد دیگر تعبیر کتاب علی بن ابراهیم قمی را آورده است.

کتاب اخبار ابی هاشم داود الجعفری تالیف عیاش جوهری. طبرسی با تعبیر: و فی کتاب ابی عبد الله بن عیاش، از او نقل گزارش کرده است.

کتاب مقاتل الطالبیین تالیف ابو الفرج اصفهانی.

کتاب التفهیم تالیف ابو محمد حسن بن حمزه الحسینی.

کتاب نوادر الحکمه تالیف محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری قمی که شبیه کتاب المحاسن برقی است.

کتاب الرد علی الزیدیه تالیف ابو عبد الله جعفر بن محمد بن ابی احمد دوریستی (از شاگردان شیخ مفید و سیدمرتضی). طبرسی از وی سه روایت نقل کرده است.

کتاب الکامل تالیف مبرد. طبرسی با عبارت "قال المبرد فی کتابه" در کتاب خود از او گزارش تاریخی نقل می کند.

کتاب معرفه الصحابه تالیف ابو عبد الله ابن منده.

کتاب شرف المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم تالیف واعظ زاهد خرگوشی. طبرسی چندین مورد از وی نقل قول کرده و از وی با عنوان الاستاد یاد کرده است.

کتاب المشیخه تالیف حسن بن محبوب.

کتاب المعرفه تالیف ابو اسحاق ثقفی.

کتاب الواحده تالیف محمد بن حسن بن جمهور عمی.

کتاب المغازی تالیف ابان بن عثمان احمر که جزو کتب مفقوده است. دو نکته مهم در مورد کتاب المغازی ابان وجود دارد. اول اینکه بخشهای مهمی از این کتاب را طبرسی در اعلام الوری با تعبیری نظیر "و فی کتاب ابان" و "یا قال ابان" آورده. در مواردی این نقلها تا چند صفحه ادامه می یابد. دوم اینکه تنها کسی که از کتاب ابان استفاده کرده و تصریح می کند که از کتاب ابان نقل می کند، شیخ طبرسی در کتاب اعلام الوری است. نکته اخر اینکه اکنون کتابی با نام المبعث و المغازی از ابان احیا و چاپ شده است. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۶۸-۷۶)

یک گزارش تاریخی به نقل از موسی بن عقبه می‌آورد که معلوم نیست از کتاب المغازی او استفاده کرده یا از کتاب دلائل النبوه بی‌هقی.

۳ - ۲: برخی از منابع مذاهب اسلامی غیر شیعی طبرسی در اعلام الوری

الف: صحاح سته

طبرسی از برخی کتب صحاح اهل سنت، در نگارش کتاب اعلام الوری استفاده کرده است. از صحیح بخاری در ابواب مختلف نظیر اسماء و صفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آزار و اذیت مشرکین و غزوه ذات الرقاع، از صحیح مسلم در باب غزوات.

ب: مستدرک حاکم نیشابوری

طبرسی در ابواب مختلف نظیر معجزات، غزوات، فرزندان و همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مستدرک حاکم نیشابوری استفاده کرده ولی نام کتاب را نیاورده است.

ج: ابن اسحاق

او از محمد بن اسحاق بن یسار مکرر در مکرر در ابواب مختلف نظیر آیات و معجزات ایشان قبل بعثت و همچنین مدت حیات ایشان و غزوات، روایت نقل کرده ولی معلوم نیست که از سیره ابن هشام نقل می‌کند یا از سیره ی ابن اسحاق. لذا در این زمینه باید تحقیق تاریخی صورت گیرد تا معلوم شود آیا در زمان او کتاب سیره ابن اسحاق نزد علما موجود بوده یا مفقود؟

د: انس بن مالک

طبرسی از انس بن مالک در مورد تولد، نسب و زمان فوت ایشان، همچنین معجزات و غزوات ایشان، نیز در مورد خلافت بلافضل و فضائل امیر المومنین علی علیه السلام و روز دهم محرم و نیز شیعیان روایاتی نقل کرده است. از

س: المغازی از محمد بن عمر واقدی

در قسمت سیره نبوی صلی الله علیه و آله و غزوات و همچنین فضائل امیر المومنین علی علیه السلام از واقدی که متهم به عثمانی الهوی است،^{۲۰} با تعبیر ((وفی رواية الواقدی)) چند گزارش تاریخی می‌آورد که به احتمال قوی از کتاب المغازی واقدی استفاده کرده است.

^{۲۰}. قاموس الرجال ج ۸، ص ۳۲۵، به نقل از کتاب تاریخ‌نگاری در اسلام جعفریان ص ۷۶.

ش: کتاب دلائل النبوه ابوبکر بیهقی

در قسمت معجزات و غزوات، طبرسی از این کتاب استفاده کرده است به طوری که منابع اصلی او در نگارش اعلام الوری است.

طبرسی پس از تالیف اعلام الوری، آن را به یکی از شاهان شیعه مازندران به نام علی بن شهریار بن قارن از آل باوند^{۲۱} اهدا و در مقدمه، از وی ستایش بسیار نمود. این کتاب در کنار کتابهای الارشاد شیخ مفید و کشف الغمه اربلی و روضه الواعظین فتال نیشابوری از آثار با ارزشی است که از قرن ۵ ق تا ۷ ق درباره زندگی چهارده معصوم علیهم السلام نگاشته شده و حکم منابع اصلی را در این زمینه دارد. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۹۵) این کتابها تلاش نمودند تا از مصادر و منابع پیشین، شرح حالی برای معصومان علیهم السلام تدارک و در اختیار مسلمانان به ویژه شیعیان قرار دهند.

پس از گذشت سالها از تالیف اعلام الوری توسط طبرسی، نسخه ای بدون آغاز از این کتاب دست کسی افتاد و او بدون آگاهی، آن را به نام ربیع الشیعه به ابن طاووس (م ۶۴۴ق) نسبت داد. علامه مجلسی ربیع الشیعه را کناری انداخته و به اعلام الوری اعتماد کرده است. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۹۵)

۴. نظریه تقریب و تاکید بر مشترکات

طبرسی با هدف حفظ کیان اسلام و تشیع به دنبال گفتار سازی وحدت مذاهب اسلامی بود. او که در تالیفات خود بر مشترکات مذاهب اسلامی تاکید داشت، برخی گزارش‌های تاریخی را ذکر نمی‌کرد. به عنوان مثال در مورد زندگی حضرت زهرا (علیها السلام)، اشاره ای به نوع برخورد ایشان با خلیفه ی اول و دوم و همچنین موضع گیری نسبت به حاکمیت توسط ایشان نشده است. نیز در بحث دفن امام مجتبی علیه السلام، با آن که اشاره به حضور عایشه و سر و صدای وی کرده اما این خبر را آورده که از اصل قرار نبود تا امام را در کنار جدش دفن کنند بلکه وی را برای تجدید عهد به آن سمت آوردند و قرار بود تا در بقیع کنار جده اش فاطمه بنت اسد دفن شود. (طبرسی، ۱۳۹۹: ۲۱۱) لذا طبرسی در نگارش کتابی تاریخی-کلامی در حوزه معرفتی، جانب احتیاط را اختیار می‌کند و با نگاهی سیاسی-اجتماعی، به تالیف آن اقدام می‌نماید.^{۲۲}

^{۲۱}. این سلسله از سلاطین شیعه مذهب خطه‌ی مازندران بوده و در دورانی طولانی به بسط مذهب شیعه در آن ناحیه تلاش کردند.

^{۲۲}. در این حوزه باید بررسی شود که چگونه متنی و با چه مولفه‌های روشی و محتوایی می‌توان نگاشت که از یک

۳. سیر تاریخی چاپ و توزیع اعلام الوری

کتاب اعلام الوری برای اولین بار در سال ۱۳۱۲ق به چاپ رسید. (نواب، ۱۳۸۱ ه.ش، ص ۲۵۸) به دلیل اهمیت آن، تحقیق‌ها و ترجمه‌هایی توسط صاحب‌نظران تاریخی، به زیور طبع آراسته شد. مانند چاپ موسسه آل‌البیت علیه‌السلام اجمعین لإحياء التراث که در سال ۱۴۱۷ق که در دو جلد چاپ گردید. استخراج منابع و بیان فهارس از ویژگی‌های این چاپ است.^{۳۳} تحقیق دیگر توسط علی‌اکبر الغفاری صورت گرفت که در سال ۱۳۹۹ق توسط دارالمعرفه چاپ گردید. از جمله ترجمه‌های خوب این کتاب، ترجمه محمد حسین ساکت است که توسط انتشارات اساطیر در سال ۱۳۸۸ ق چاپ گردید.

نتیجه

امین‌الاسلام طبرسی از علمای معروف و مشهور شیعی نیمه دوم قرن ۵ و نیمه اول قرن ۶ ق است که پس از دوره طلایی تمدن اسلامی که به رنسانس اسلامی معروف است پا به عرصه وجود گذارد. شخصیت علمی-مذهبی او شهره خاص و عام است و حیات علمی-فرهنگی وی لبریز از مولفه‌های گفتمان ساز. او با آگاهی کامل از فضای دینی-سیاسی آن زمان اقدام به تالیف کتاب در حوزه‌های مختلف علمی نمود. از تالیف‌های او در حوزه تاریخ، اعلام الوری است. وی به عنوان یکی از مراکز تصمیم‌ساز علمی-فرهنگی، هندسه تاریخ‌نگاری نوینی در حوزه روش شناختی به جامعه علمی-مذهبی جهان اسلام معرفی نمود. هندسه‌ای متشکل از چهار اصل روش تاریخی-حدیثی، روش تاریخی کلامی با محوریت کلام، روش صعود معرفتی و الگوسازی تاریخ‌نگاری حیات معصومین علیه‌السلام. طبرسی در تاریخ‌نگاری خود در حوزه معرفت‌شناختی، از عنصر اعجاز به صورت صریح به عنوان یکی از ادله اثبات امامت در عرض ادله دیگر یاد می‌کند و آن را در کاربست اثبات امامت به کار می‌گیرد. طبرسی درخشانترین دوره سلجوقیان را در حوزه‌های علمی و فرهنگی در دوره حیات خود تجربه کرد. تاریخ فرهنگ مذهبی و فرهنگ سیاسی آن دوره مشحون از پیشرفتهای علمی-فرهنگی مسلمانان در ساحت‌های ساخت و معرفت معرفی شده. لذا نظریه تقریب را در ساحت‌های مختلف روش‌شناسانه و معرفت‌شناسانه

طرف حقایق تاریخی را بازگو کند و از طرفی دیگر کیان اسلام و وحدت مسلمین حفظ شود. لذا در این زمینه باید دقت لازم صورت گیرد تا حقایق اسلام ناب و واقعیت‌های تاریخ صدر اسلام، کمرنگ نشود.
^{۳۳} لازم به ذکر است به دلیل استخراج اعلام و سایر فهارس به طریق رایانه‌ای، خطاهای بسیاری در فهارس راه یافته است. فرد واحدی یک بار به نام و نام پدر و در جای دیگر فهرست با لقب شناسانده شده است. در فهرست نام کتاب‌های وارده در متن هم خطاها و نواقصی هست (سجادی خوراسگانی، ۱۳۷۶: ۳۲ تا ۳۶)

تئوریزه و عملیاتی ساخت. عفت قلم، استفاده از اساتید مذاهب دیگر مسلمانان و تالیفات تقریبی، از مولفه های توصیفی نظریه تقریب در حیات وی ارزیابی می شود. فضای مطلوب سیاسی، تسلط وی بر همه علوم اسلامی، ارتباط میان علمای اسلام، ویژگی های اخلاقی-مذهبی بارز در وی، تلاش بر بازگشت به سیره نبوی ﷺ، وجود علمای هم فکر با وی از مولفه های تبیینی نظریه تقریب به شمار می روند. استفاده از منابع مذاهب اسلامی غیر شیعی از نکات مهم و قابل دقت در تالیفات وی خصوصا اعلام الوری است، نظیر صحیح بخاری، صحیح مسلم، مستدرک حاکم نیشابوری، سیره ابن اسحاق، المغازی واقدی، دلائل النبوه بیهقی و روایاتی از انس بن مالک و ابوهریره.

او از منابعی در کتاب خود یاد کرده که اکنون بسیاری از آنها در دسترس نیستند. به نظر می رسد رویکردهای اجتماعی-سیاسی او در حوزه تقریب، پر کاری و تالیف های گسترده در زمینه های متنوع و مختلف دینی و غیر دینی، تربیت شاگردان صاحب نام، اصلاح کتابهای علمای شیعه، سفرهای علمی-دینی، اهدای کتابهای نگاشته شده توسط خودش به سلاطین شیعه و ... می تواند عرصه های جدیدی در حوزه های مختلف سیاسی-اجتماعی، سیاسی-اقتصادی و نیز ورود مباحث علمی به بحث تقریب، در جهان اسلام ایجاد نماید.

مطالعات تطبیقی حیات تاریخی علما در این حوزه^{۲۴} می تواند علاوه بر بازتعریف نظریه تقریب و جلوگیری از فراموشی آن، بر تطور و ارتقای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نظریه کمک شایانی کند و در نهایت آن را به عنوان الگویی جامع و مقبول جامعه اسلامی معرفی و مهمترین مشکل امروز جهان اسلام (تفرقه و اختلاف) در زمینه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی را حل نماید. همچنین با توجه به گسترش روز افزون بحث منابع مفقوده، لازم است تحقیقی جامع در زمینه کتابخانه امین الاسلام طبرسی صورت گیرد تا منابع مورد استفاده علمای اسلام در قرن ۵ و ۶ که اکنون در دسترس نیستند مشخص شده، زمینه برای احیای آنها فراهم آید چرا که با احیای متون اصیل اسلامی می توانیم اسلام اصیل و ناب را در حوزه های تاریخی-اجتماعی تبیین نماییم.

۲۴. در عرصه های مختلف شخصی، اجتماعی-مذهبی، اجتماعی-سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی و علمی-فرهنگی حیات تاریخی علما با رویکرد روش شناختی و معرفت شناختی.

منابع

- ابن شهر آشوب مازندرانی (بی تا). معالم علماء، نجف اشرف، مطبعه الحیدریه.
- افندی اصفهانی، میرزا عبد الله (۱۴۰۱ق). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق: سیداحمد الحسینی، قم، انتشارات خیام.
- امین، سید محسن (بی تا). اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ج ۷.
- امینی، شیخ عبد الحسین (۱۳۶۲). شهیدان راه فضیلت، مترجم: جلال الدین فارسی، تهران، روزبه.
- بیهقی (معروف به ابن فندق)، ابوالحسن علی بن زید (بی تا). تاریخ بیهق، تصحیح و تعلیق: احمد بهمنیار، بی جا، افست مروی.
- (الف) تهرانی، آقا بزرگ (بی تا). الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالوضاء، ج ۲۰.
- (ب) تهرانی، آقا بزرگ (بی تا). طبقات أعلام الشیعه، تحقیق: علی نقی منزوی، قم، اسماعیلیان، ج ۲.
- (الف) جعفریان، رسول (۱۳۷۵). تاریخ تشیع در ایران، قم، انصاریان، ج ۲.
- (ب) جعفریان، رسول (۱۳۸۷). منابع تاریخ اسلام، قم، انصاریان.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۵). دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ج ۷.
- حلبی، علی اصغر (۱۳۶۱). "طبرسی و مجمع البیان"، نشر دانش، شمار اول سال سوم، آذر و دی ۱۳۶۱، ص ۱۹ تا ۲۲.
- خوانساری، محمد باقر (۱۳۹۲ق). روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، اسدالله اسماعیلیان، تهران، اسماعیلیان، ج ۵.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳). لغت نامه، زیر نظر دکتر محمد معین، تهران، سیروس، ج ۱۵.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۲). الشیخ طبرسی امام المفسرین فی القرن السادس حیاتہ و آثارہ، ۱۳۸۲، قم، موسسه الامام الصادق علیه السلام.
- سجادی خوراسگانی، محمد (۱۳۷۶). "طبرسی و کتاب إعلام الوری بأعلام الهدی"، آیینہی پژوهش شماره ی ۴۶، مهر - آبان ۱۳۷۶، ص ۳۲ تا ۳۶.
- شریف، محمد رضا (۱۳۸۱). درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، تهران، روزنه.
- (الف) طبرسی، امین الاسلام شیخ ابو علی فضل بن حسن طبرسی (۱۴۱۷). إعلام الوری بأعلام

- الهدی، قم، موسسه آل البيت لإحياء التراث، ج ۱ و ۲.
- (ب) طبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۹۹ق). إعلام الوری بأعلام الهدی، صحح و علق علیه: علی اکبر الغفاری، بیروت، دارالمعرفه.
- (ج) طبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۷۷ق). إعلام الوری بأعلام الهدی، ترجمه: عزیز الله عطاردی قوچانی، تهران، انتشارات اسلامیه.
- (د) طبرسی، فضل بن الحسن (۱۳۸۸ق). إعلام الوری بأعلام الهدی، ترجمه: محمد حسین ساکت، تهران، اساطیر.
- (ن) طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۰۵ق). جوامع الجامع فی تفسیر القرآن المجید، بیروت، دارالاولیاء، ج ۱.
- (و) طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۱۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، حقه و علق علیه: لجنه من العلماء و المحققین الاخصائیین، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- کاشفی، محمد رضا (۱۳۸۹). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی علیه السلام.
- کریمان، حسین (۱۳۴۰ و ۱۳۴۱). طبرسی و مجمع البیان (تحقیق در احوال شیخ طبرسی)، تهران، دانشگاه تهران، ج ۱ و ۲.
- نجاشی، ابی العباس احمد بن علی (۱۴۰۸). رجال النجاشی، تحقیق: محمد جواد النائینی، بیروت، دارالاولیاء.
- نعمان (معروف به مفید)، محمد بن محمد (۱۳۹۰ق). الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، مترجم: امیر خانبلوکی، قم، تهذیب.
- نواب، شیخ حسین (۱۳۸۱). کاوشی در زندگانی علامه فضل بن الحسن بن فضل طبرسی، اول، بی جا، شریعت.
- واعظ زادهی خراسانی، محمد (۱۳۷۱). "مقدمه ای بر ترجمه ی تفسیر جوامع الجامع"، مشکوه، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۷۱، ص ۴-۱۲.
- یعقوب، امیل بدیع (۱۴۲۰ق). موسوعه النحو و الصرف و الاعراب، مترجم: محمدرضا یوسفی، قم، اعتصام.